



دکتر جعفر کوشا - باقر شاملو



نوآوری قانون جزای جدید فرانسه

## فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

بخش اول: خصوصیات کلی حقوق جزای فرانسه

گفتار اول: دیدگاه تاریخی

گفتار دوم: خصوصیات نظام حقوقی فرانسه

گفتار سوم: زمینه ها و ضرورت‌های تحول

گفتار چهارم: نحوه و مراحل تهیه و تدوین قانون جزای جدید فرانسه

گفتار پنجم: اصول و اهداف قانون جزای فرانسه

بخش دوم: نوآوری‌های قانونگذار فرانسه در قانون جزای ۱۹۹۴

گفتار اول: مفهوم جرم از دیدگاه قانون جدید

گفتار دوم: مسؤولیت کیفری از دیدگاه قانون جدید

گفتار سوم: مجازات از دیدگاه قانون جدید

نتیجه

کتابشناسی

## پیشگفتار

۱. از اوایل سال ۱۳۷۳ شمسی در کشور فرانسه قانون جزای جدیدی که جایگزین قانون جزای ۱۸۱۰ مشهور به کد ناپلئون گردید، قابلیت اجرا پیدا نمود. قانون جدید ۱۹۹۴ ثمره فعالیت و تلاش ۲۰ ساله کمیسیونهای تخصصی در قوه مجریه (عمدتاً وزارت دادگستری) و قوه مقننه بوده و به اعتقاد تهیه کنندگان و نویسندگان آن، دارای نوآوریهای می باشد، مضافاً اینکه مقنن در این قانون سعی نموده که تحولات و نیازهای جامعه کنونی فرانسه را مورد ملاحظه قرار دهد.
۲. قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه برای حقوقدانان و پژوهشگران در

\* این قانون در ژوئیه ۹۲ از تصویب مجلسین گذشت و از اول مارس ۹۴ به موقع اجرا گذاشته شد. در این فاصله ضمن اینکه آیین نامه ها و شرایط اجرای قانون پیش بینی و آموزش داده شده، اصل قانون نیز مورد اصلاحات جزئی قرار گرفت. لذا نظر به اینکه در جامعه حقوقی فرانسه، بویژه در کتب و مقالات منتشر شده به قانون ۹۴ شهرت یافته است، در این نوشتار نیز با همین قید از آن یاد می شود.

ایران، قانون شناخته شده‌ای است و بعضی از تأسیسات آن که مخالفی با شرع انور اسلام نداشته، در قانون جزای کنونی ایران نیز حفظ گردیده است. بنابراین بر آن شدیم که در این نوشتار به تحول قانونگذاری کیفری اخیر در فرانسه بپردازیم.

ابتدا در بخش اول، نظام حقوق جزای فرانسه را از دیدگاه‌های تاریخی و اجتماعی، خصوصیات و ویژگی‌های آن و سپس زمینه‌ها و ضرورت‌های تحول در این نظام ارزیابی می‌شود. مطلب مهم در بخش اول به ارائه نحوه و مراحل تهیه و تدوین قانون جزای ۹۴ در فرانسه اختصاص دارد و نهایتاً اینکه قانون مزبور چه اهداف و اصولی را مد نظر قرار داده است؟

سپس در بخش دوم، نوآوری‌های قانون جزای جدید ۱۹۹۴ را از حیث مفهوم جرم، مفهوم و حدود مسؤولیت کیفری و در نهایت مفهوم مجازات از دیدگاه قانون جدید مورد بحث قرار خواهیم داد.

۳. لازم به ذکر است که در معرفی این قانون، نظرات مؤلفین و نویسندگان فرانسوی را نقل و در صورت نیاز مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم. بعبارت دیگر آنچه که بیان می‌شود، الزاماً دیدگاه‌های فکری و اعتقادی نگارندگان نخواهد بود.

## مقدمه

نظام کیفری هر کشور مبتنی بر یک فلسفه و یا (اعتقادی) خاص بنا شده است، و شاید بتوان گفت که در حال حاضر از این حیث، دو نوع نظام بزرگ کیفری در دنیای کنونی وجود دارد:

### الف. نظام حقوقی مذهبی

نظامی است که بر اساس یک نوع عقیده یا اعتقاد مذهبی بنا شده است و مجموعه قواعد و قوانین و مقررات در چارچوب اصول مذهب شکل گرفته است. اراده و اعتقاد عمومی در آن جامعه این است که تمامی تحولات و جریانات را در جنبه های مختلف سیاسی-اعتقادی-اجتماعی (و غیره) با توجه به حفظ اصول و قواعد معنونه در آن مذهب ترسیم نمایند. در این نظام، بین قوای عمومی (قوه مقننه، قضائیه، مجریه) یک خط ارتباط وجود دارد و آن مذهب است.

طرفداران این سیستم اعتقاد دارند که از ابتدا اراده خداوند حاکم بر تمام امور بوده و از این حیث مصالح و مفاسد مشخص شده و تنها خداوند، صالح بر تعیین مصالح و مفاسد واقعی نسبت به انسان و جامعه

است. باید اضافه نمود که در این نظام بین بسیاری از اصول اخلاقی مذهبی و اصول حقوقی نوعی درآمیختگی وجود دارد. بعنوان مثال در این نظام، عناوین مجرمانه عبارتند از: ترک اوامر یا انجام نواهی که در مذهب مشخص و معین شده است.

در این سیستم، حقوق کیفری مذهبی قلمداد می شود. حقوق جزای اسلامی نیز در زمره این نظام قرار می گیرد که می توان این سیستم را به دو دسته ذیل تقسیم نمود.

۱. حقوق اسلامی محض (کلاسیک): در این سیستم تمام عناوین مجرمانه، مسؤولیت کیفری و مجازاتها منطبق با قرآن و سنت (شریعت اسلامی) می باشد و الزاماً مفاهیم حقوق جزا می بایست در چارچوب قواعد و اصول اسلامی گنجانده شود. دولت (قوای حاکم) مجری قوانینی می باشد که از منابع حقوق اسلامی (قرآن و سنت) اتخاذ شده است یا حداقل مغایرتی با این منابع و قواعد ندارند. بعنوان مثال کشور عربستان سعودی می تواند مصداق بارز این نوع سیستم باشد.

۲. حقوق اسلامی در قالب تأسیسات حقوقی جدید: در این سیستم، اصول و محورهای اساسی حقوق اسلامی در قالب قانون اساسی متجلی می شود. ضروری است که قوانین عادی با آن مطابقت داشته باشد. مشروعیت و در عین حال وجاهت قانونی منوط و مشروط به رعایت و لحاظ و مطابقت با قانون اساسی است.

در این نوع سیستم، نوعی طبقه بندی قوانین موضوعه معمول است. در حال حاضر سیستم جزائی کنونی در ایران به نوع مذهبی است که تمام ابعاد زمینه های حقوقی بر مبنای اصول و مبانی مذهبی که در قانون اساسی تدوین و تبیین گردیده، پایه ریزی شده است.

**ب. نظام حقوقی غیرمذهبی<sup>۱</sup>**

نوع دوم عبارت از سیستم حقوقی است<sup>۲</sup> که اساس و پایه اصلی این سیستم را جنبه اجتماعی تشکیل می‌دهد، هرچند ممکن است با قواعد و اصول اخلاقی یا مذهبی ارتباط داشته باشد. به عبارت دیگر رعایت جنبه اجتماعی این قواعد و اصول لازم و ضروری است. بعد اجتماعی در لحاظ قوانین و مقررات حاکمیت دارد.

بین قواعد حقوقی و قواعد اخلاقی و مذهبی تفکیک وجود دارد. آنچه که در قلمرو روابط اشخاص در یک جامعه به عنوان ارزش تلقی می‌شود و بنحوی از سوی اراده عمومی مورد حمایت قرار می‌گیرد، در قالب قانون تعیین و تصویب می‌گردد و همه افراد ملزم به اجرای آن می‌باشند. ممکن است بسیاری از قواعد و اصول حقوقی معنونه در این نظام منطبق با قواعد و اصول مذهب باشد و یا به عبارت دیگر اصول اخلاقی و مذهبی با تصویب این قوانین و لحاظ این اصول حقوقی مخالفت نداشته باشد. ولی باید گفت که این عدم مخالفت و یا احیاناً انطباق لازم و ضروری نیست. هدف برای وضع قوانین، موافقت با اصول مذهبی و یا اخلاقی و یا عدم مخالفت با آنان نیست. قانون به معنی اخص یعنی تبلور اراده عمومی.

ژاک روبرت به عنوان عضو شورای قانون اساسی همچون بسیاری از نویسندگان و استادان فرانسوی حقوقی اساسی<sup>۳</sup> معتقد است که: «بطور کلی بین حکومت یا به تعبیری دولت<sup>۴</sup> و مذهب (کلیسا)<sup>۵</sup> سه نوع رابطه وجود دارد:

۱. اتحاد؛

۲. امتزاج (اختلاط)؛

**1. Système juridique Laïc.**

۲. نظر به اینکه معادل فارسی دقیقی برای لفظ لائیک به نظر نگارنده پیش بینی نشده لذا عیناً اصل کلمه به کار برده می‌شود که در زبان فارسی نیز رایج است.

\*. Jacques Robert

\*\*\*. LETaT یعنی دولت

\*\*\*. L'Eglise (مظهر قدرت مذهب در گذشته)

## ۳. جدایی».

وی اضافه می‌کند: «نظامی که بین مذهب و دولت آن، یک نوع جدایی در امور و وظایف محوله وجود دارد در حقیقت فرمول انتخابی را «جدایی» پذیرفته است، این سیستم لائیک نامیده می‌شود».

مباحث و موضوعات حقوق جزا، عناوین مجرمانه، مفاهیم و حدود مسؤلیت جزایی، تعیین و اجرای ضمانت اجراهای کیفری از وظایف قوای حاکم می‌باشد. این مباحث براساس خواست و اراده عمومی جامعه تعیین می‌گردد و مذهب و متصدیان این امر دخالتی در عناوین مزبور ندارند. نویسنده در جای دیگر اضافه نموده است: «نمی‌توان گفت که سیستم لائیک بهترین سیستم موجود در حال حاضر است و یا دیگر سیستم‌ها بطور کلی مطرود هستند ولی آنچه که امروز فرانسه از بین این سه روش انتخاب نموده است و کشور براساس آن اداره می‌شود همانا جدایی بین دولت و مذهب است.<sup>۳</sup>»

کشور فرانسه از سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۶ میلادی با تأسیس مدارس عمومی در کنار مدارس خصوصی و مذهبی در حقیقت سیستم غیرمذهبی را تقویت و جدایی کامل بین اعمال حاکمیت و امور مذهبی را فراهم ساخت. این سیستم در تمامی جنبه‌های مدنی، تجاری، اقتصادی و جزایی و... حاکم شده است و توانسته تأثیراتی در روش قانونگذاری کشورهای مختلف اعم از اسلامی یا غیراسلامی داشته باشد. بعنوان مثال قوانین جزایی ایران قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی متأثر از این سیستم بوده است. در این نظام مفاهیم حقوق جزا (جرائم، مسؤلیت کیفری، مجازاتها) در قالب قانون (کُد) پس از طی مراحل قانونگذاری تصویب و منتشر می‌گردد.

قوانین براساس تحولات و دگرگونی در ارزش‌های جامعه و یا بر مبنای خواست و اراده عمومی و در عین حال به منظور برآوردن نیازها و احتیاجات جامعه تصویب می‌گردد. در نتیجه قوانین و مقررات در این نظام

۳. مفهوم حقوقی لائیسیتته و ارزش و اعتبار آن از دیدگاه قانون اساسی، سخنرانی آقای ژاک روبرت که در سال ۱۹۹۰ در کنگره‌ای که پیرامون موضوع پیدایش و نقش لائیسیتته در دانشکده الهیات پروتستان در مون پلیه ایراد نموده است، صفحات ۸۹ به بعد.



بسرعت و براحتی قابل تغییر و تحول است. نمایندگان در جهت اصلاح، تنظیم، تکمیل و یا حذف قوانین تلاش می کنند، تا از این طریق پویایی قوانین با نیازهای جامعه هماهنگی داشته باشد. لیکن قوانین در این سیستم خالی از اعتقاد و اندیشه نیست، بلکه با ملاحظه و مذاقه مشروح مذاکرات نمایندگان در هنگام تصویب قانون، مشاهده می گردد که هریک از مدافعین لوایح و یا طرحها با استناد به اعتقادات یا آرمانهای اخلاقی از لوایح و طرحهای مورد نظر خود دفاع می نمایند که در بعضی مواقع با قواعد مذهبی نیز موافقت کامل دارد. بعید نیست که آنان به طور مستقیم و یا غیرمستقیم از سنتها و آیینها و قواعد مذهبی متأثر گردیده و در مقام دفاع برمی آیند. اما قانون یعنی «مصوبه مجلس که شورای قانون اساسی عدم مغایرت آن را با اصول و قواعد قانون اساسی اعلام می دارد و پس از امضای رئیس جمهور منتشر می گردد».

## بخش اول

### خصوصیات کلی حقوق جزای فرانسه

#### گفتار اول

#### دیدگاه تاریخی

یکی از ویژگیهای نظام حقوقی فرانسه این است که دارای نخستین قانون جزای مدون است. این امر به دنبال جنبشهای اصلاح طلبانه عصر روشنگری در قرنهای ۱۷ و ۱۸ آغاز شد. دوره ای که از دیدگاه فلسفی در اروپا عصر رنسانس نامیده می شود. البته این نهضت اصلاح طلبانه در محدوده نظام حقوقی و در آغاز تقریباً محدود شد به جمع آوری تدوین و مقررات آزمایشهای متنوع و پراکنده ای که بعضاً نیز متناقض بودند و در نظام بورژوا اروپا رویه های قضایی متفاوت و غیرعادلانه ای برجا گذاشته

بود. بنابراین نوآوری و وجه مشخص این دو قرن را، از دیدگاه حقوقی، می‌توان در اهتمام متفکرین در نظم دادن و طبقه بندی کردن پدیده‌های حقوقی و اجتماعی خلاصه کرد. در محدوده حقوق جزا، ثمره نهضت عام نظام بخشی کردن، ارائه و معرفی قوانین کیفری (کُد) بود که علاوه بر حقوق جزای اختصاصی، دربرگیرنده بعضی از اصول کلی حقوق جزا مستنبط از رویه قضایی گذشته بود.<sup>۵</sup> لازم به ذکر است که در ابتدا اولین مجموعه قوانین جمع‌آوری شده، محصول تلاشهای فردی عده‌ای از متفکرین قرن ۱۸ بوده است.

با نظری اجمالی بر این قوانین ملاحظه می‌شود که محتوا و چارچوب‌های کلاسیک حقوقی حفظ شده است. اما نوآوری آنها در این است که با ارائه یک نظم منطقی در قالب‌های نوینی ارائه شده‌اند به تدریج دولتها تحت تأثیر این نهضت قرار گرفتند و مردم فرانسه که در جریان انقلاب کبیر ۱۷۸۹ خود قرار داشتند بیش از سایرین متأثر از این نهضت شدند و با پیروزی انقلاب، تشنگان عدالت قضایی که متأثر از افکار ژان ژاک روسو فیلسوف فرانسوی، و بکارا اقتصاددان ایتالیایی بودند اقدام به معرفی و ارائه اولین قانون جزا توسط دولت در سال ۱۷۹۱ و براساس اصول اعلام شده رهبران انقلاب نمودند.

نظر به اینکه، قانون مزبور تا حد زیادی تحت تأثیر افکار تند و افراطی بعضی از انقلابیون تهیه و تدوین شده بود در عمل با مشکلات بسیاری مواجه گردید و بلافاصله تغییرات و اصلاحات چندی را پذیرا شد تا اینکه نهایتاً در سال ۱۸۱۰ دومین قانون جزای فرانسه تدوین و تصویب شد که به کُد یا قانون ناپلئون شهرت پیدا نمود. این قانون بارها از جمله در سالهای ۱۸۹۲ و ۱۹۳۲ تحت تأثیر جنبش‌های اصلاح طلبانه اجتماعی و سیاسی و مکاتب فلسفی و حقوقی و نظریه‌های جرم‌شناختی در معرض

۵. یکی از مشهورترین نظریه پردازان در تدوین حقوق جزا (Codification)، بنتام (Bentham) حقوقدان انگلیسی است که علی‌رغم پیشنهادهای متمدن به چندین دولت اروپایی و آمریکایی در دوران حیات خود از موفقیت و استقبال چشمگیری برخوردار نشد، ولی انقلابیون فرانسه و نویسندگان قانون ۱۷۹۱ و قانون ۱۸۱۰ فرانسه تا حد زیادی متأثر از افکار او بودند.

تغییرات جدی و اساسی قرار گرفت، به نحوی که هربار حرکت جدیدی جهت تهیه و تدوین قانون جدید آغاز شد. اما هربار نیز به دلایلی منجر به نتیجه نهایی نشد و به اصلاحاتی جزئی اکتفا گردید. بنابراین چارچوب قانون ناپلئون، علی‌رغم پذیرش اصلاحات متعددی که متعاقباً ذکر خواهد شد، نزدیک به دو قرن یعنی تا آخرین اصلاحات کلی به سال ۱۹۹۴ بعنوان زیربنا و اساس قوانین جزایی حاکم، حفظ و اجرا شد.

### گفوارهوم

#### خصوصیات سیستم حقوقی فرانسه

همچنانکه در مقدمه اشاره شد نظام حقوقی فرانسه در یک دسته بندی کلی در زیر مجموعه نظامهای لائیک قرار می‌گیرد. البته باید متذکر شد که این کشور یکی از پیشگامان و ترویج دهندگان این نظام نیز بوده است. مهم‌ترین ویژگیهای سیستم حقوقی فرانسه را می‌توان به شرح ذیل احصا نمود.

### مبحث اول

#### منشاء حقوق

در این نظام انسان هم موضوع حقوق است و هم منشاء آن. بعبارت دیگر اراده فرد انسان و در مرتبه متعالی تر آن اراده جمع و جامعه که در قالب یک قرارداد اجتماعی ظهور می‌کند منشاء اولیه حقوق است. بدین توضیح که برگزیدگان جامعه بر اساس اختیارات مفوضه به تنظیم روابط و تعیین و تصریح حقوق و تکالیف افراد اقدام می‌کنند. این اصل در ابتدا نوعی از جانب منتسکیو، سپس بوسیله ژان ژاک روسو فیلسوف فرانسوی و سزار بکاریا متفکر ایتالیایی مطرح و تفسیر گردید و سپس بعنوان اصل

۶. در حال حاضر نیز تفورسینها و دلتمردان فرانسه در بحثهای عمومی خصوصاً در مورد لزوم منع حجاب در مدارس و رعایت اصول غیرمذهبی بودن، معتقدند که این کشور تنها کشوری است که خود را ملزم به اجرای اصول و مبانی لائیک می‌داند. (اکسپرس ۲۷ نوامبر ۱۹۹۴- لوموند نوامبر ۱۹۹۴).

اجتناب ناپذیر حقوق کشورهای اروپایی جایگاه ویژه ای به خود اختصاص داد.

### مبحث دوم

#### ارزش و اعتبار قانون

قانون که حاصل یک قرارداد اجتماعی و در حقیقت تبلور توافق ملی است، مشروعیت خود را از همان قرارداد اجتماعی و توافق ملی اخذ می کند. بنابراین ارزش و اعتبار آن بستگی تام به مفاد قرارداد و اختیارات تفویضی دارد و در یک کلام یعنی خواست و اراده مردم. البته به منظور کاهش آثار سوء و بی ثباتی قانون، مراتب و درجات متفاوتی برای آن قائل شده اند و ارزش و اعتبار هر یک بستگی تام به مرتبه و جایگاهی دارد که در آن واقع شده است از قبیل قانون اساسی، قانون عادی و بخشنامه ها، با این حال درجه بندی و اعتبار نیز امری نسبی و ناشی از قرارداد و خواست مؤلفین آن است.

### مبحث سوم

#### اصل نسبی بودن قانون

از دو اصل اولیه، اصل دیگری که بعنوان نتیجه منطقی آنها حاصل می شود اصل نسبیت و تغییرپذیری قانون است. قانون فی نفسه موضوعیت و ثبات ندارد و دوام و استمرار آن نتیجه خواست جمعی افراد یا گروه منتخب جامعه است. بنابراین با تغییر ارزشها و معیارهای اجتماعی که خود نیز می تواند تابعی از متغیرهای دیگر باشد، قانون نیز که باید تبلوری از این ارزشها و معیارهای حاکم باشد، تغییر خواهد کرد. البته تعدادی از قوانین و اصول زیربنایی قابل تغییر نیست، مثلاً اصل لائیک بودن سیستم سیاسی کشور فرانسه از اصول غیر قابل تغییر است.

### مبحث چهارم پیمانهای بین المللی

خصوصیت جدیدی که در چند دهه اخیر و به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی بعنوان یکی از منابع قانونگذاری وارد نظامهای مختلف، از جمله نظام حقوقی فرانسه شده است، اصل جهت گیری بسوی نظامهای حقوقی «همهانگ» است. این خصوصیت که ابتدا در قالب پیشنهاد و توصیه مطرح می گردید، امروزه در بسیاری موارد جنبه الزام آور دارد. بدیهی است که در انشا و ارائه این الزامات بین المللی کشورهای قدرتمند امریکایی و اروپایی نقشی مؤثر و تعیین کننده دارند.

اما آنچه که مسلم است نظامهای حقوقی لائیک برخلاف نظامهای مذهبی یا متأثر از مذهب و فرهنگهای خاص، در این جهت از انعطاف بیشتری برخوردارند بنحوی که با توجه به توضیحات فوق می توان از تأثیرات مستقیم و یا غیرمستقیم معاهدات بین المللی<sup>۷</sup> در امور جزایی بعنوان یک منبع بین المللی حقوقی یاد کرد.

### گفتار سوم

#### زمینه ها و ضرورت های تحول

اکثر قریب به اتفاق حقوقدانان بر این نکته اتفاق نظر دارند که قانون جزا دارای دو نقش اساسی است: ۱- حمایت از جامعه علیه کسانی که نظم اجتماع را مختل می کند؛ ۲- حمایت از ارزشهای جمعی جامعه. بر این اساس قانون حاکم بر هر جامعه باید به دو انتظار پاسخ دهد: الف) ایجاد نظم حقوقی که منطبق با ساختار کلی جامعه و نظم سیاسی- اجتماعی حاکم بر آن باشد.

ب) نشانگر ارزشها و معیارهای مورد قبول جامعه باشد. باگذر از این ضرورت بسیار بدیهی به نظر می رسد که در کشورهای

۷. از جمله این معاهدات می توان از اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی پاسداری از حقوق بشر و آزادی های اساسی نام برد که بطور غیرمستقیم بر قوانین داخلی کشورهای عضو تأثیر می گذارد.

ارویایی، از جمله جامعه فرانسه، که نظم اجتماع و ارزشهای آن مبتنی بر نظریه‌های انسانی و مادی است، قانون نیز که تابعی از این متغیر است، بیشتر در معرض اصلاح و تغییر قرار می‌گیرد. علاوه بر این اصل کلی، دلایل و زمینه‌های تغییر قانون جزای سابق و ضرورت وضع و تصویب قانون جدید را با استنباط از مجموعه استدلال‌ات بیان شده توسط ارائه‌کنندگان و مفسرین قانون جدید،<sup>۸</sup> می‌توان به شرح ذیل توصیف نمود.

### مبحث اول

#### عدم انطباق قانون سابق با نیازهای کنونی جامعه

قانون جزای ۱۸۱۰ به جامعه ساده‌ای که به ارزشها و معیارهای سنتی وابستگی بسیاری داشته است، تعلق داشته است. یعنی، جامعه‌ای که از نظر سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی کاملاً متفاوت از جامعه کنونی بوده است. به همین جهت اصلاحات و مفاهیمی که در قانون سابق استعمال شده بود، در بسیاری موارد پاسخگوی نیازهای جامعه امروزی نبوده است. قانون ۱۸۱۰ جرائمی را پیش‌بینی نموده است که در جامعه امروز سالبه به انتفای موضوع است از قبیل: گدایی، ولگردی یا توهین به خانواده سلطنتی و از سوی دیگر نسبت به بسیاری از اعمال ضد ارزشهای اجتماعی کنونی سکوت کرده و یا مجازاتی را پیش‌بینی نموده است که خفیف به نظر می‌رسد و مطابق با خطراتی که این اعمال و افراد را تهدید می‌کند، نیست. بعنوان مثال قانون ۱۸۱۰ به بسیاری از جرائم نوین از قبیل جرایم سازمان‌یافته، قاچاق، تروریسم، سرقتها و جرایم کامپیوتری و جرایم رانندگی بنحو مقتضی پاسخگو نبوده است. بطور خلاصه معیار تعیین ارزش مطابق قانون ۱۸۱۰ با ارزشهای حاکم بر جامعه فعلی کاملاً متفاوت است و در بعضی جهات مفاهیم نظم عمومی مورد حمایت قانون سابق و جامعه فعلی کاملاً متفاوت و دگرگون شده است. بعنوان مثال، در قانون ۱۸۱۰ عنوان مجرمانه «زنا» به منظور دفاع و حمایت از

۸. فهرستی از این آثار در پایان مقاله جهت ملاحظه خوانندگان محترم ارائه خواهد شد.

کانون خانواده لحاظ شده بود. در حالیکه امروزه بمنظور دفاع از آزادیهای فردی، عنوان مجرمانه‌ای برای زنا در قانون ۱۹۹۴ وجود ندارد.

### مبحث دوم

#### اصلاحات جزئی در ساختار داخلی قانون جزای ۱۸۱۰

بدون شک قانون جزای ۱۸۱۰ از زمان تصویب تا زمان نسخ، دچار تغییرات و تحولات متعددی شده بود. این تغییرات متعدد که به مناسبت‌های مختلف و تحت تأثیر مکاتب جرم‌شناختی و افکار فلسفی واقع شده است، قانون ۱۸۱۰ را از تجانس و هماهنگی لازم خارج نموده و با نوعی تناقض آشکار همراه ساخته بود. این اصلاحات جزئی و مقطعی در سه جهت کلی صورت گرفته است.<sup>۹</sup>

#### الف. فردی کردن مجازات

در سال ۱۸۳۲ تصویب قانون علل تخفیف دهنده مجازات، در سال ۱۸۸۶ تصویب قانون مجازات تکرارکنندگان جرم و تعلیق ساده مجازات، در سال ۱۸۹۱ تصویب قانون آزادی مشروط، در سال ۱۹۲۵ تصویب قانونی راجع به صغار بزهکار و تعلیق مراقبتی مجازات، در سال ۱۹۸۳ قانون مربوط به خدمات عمومی و... ویژگی‌های کلی قانون ۱۸۱۰ را دگرگون کرد. این اصلاحات سبب بروز تعارضات مشهودی در این قانون شده است.

#### ب. انسانی کردن مجازات

این اصلاحات شامل حذف تدریجی مجازات‌های بدنی و مجازات زندان با اعمال شاقه و متعاقباً حذف تبعید بعنوان مجازات و نهایتاً لغو مجازات اعدام در سال ۱۹۸۱ بوده است. در همین زمینه، مجازات‌های

۹. روبرت بدنتر، وزیر وقت دادگستری، ضمیمه طرح اصلاح قانون جزا، ارائه شده به مجلس سنا، در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۸۶

جایگزین حبس پیش بینی شده اند، از قبیل: کیفر نقدی و تعلیق اجرای مجازات.

### مبحث سوم

#### تشدید مجازات ها و جرم انگاری

با پیچیده تر شدن فعالیت های اجتماعی و آشکار شدن عدم اجرای قانون جزای ۱۸۱۰، بتدریج قوانین خاصی به منظور تنظیم فعالیت های جامعه در بخش های مختلف و در زمینه های مورد نیاز وضع شده است.

نظر به اینکه در خارج از چارچوب حقوق جزای کلاسیک قوانین جدید نوشته می شد، نتیجتاً مبانی بسیاری از اصول و قواعد حاکم بر آنها متعارض با یکدیگر و خصوصاً متعارض با خود قانون و اصول حاکم بر آن گردید. این قوانین جدید در قلمروهای زیر وضع شدند.

حقوق جزای اقتصادی و مالیاتی- حقوق جزای کار.

حقوق جزای حمل و نقل- حقوق جزای محیط زیست و ... بنحوی که شناخت، مقایسه و هماهنگی بین آنها حتی برای متخصصین فن نیز مشکل و غیر ممکن شده بود. به همین جهت یکی از انگیزه های اولیه در طرح قانون جدید، پیشنهاد قانونی جامع بود که در برگیرنده تمامی گرایش های حقوق جزا باشد. با این امید که تعارض های موجود را نیز به حداقل ممکن کاهش خواهد داد. اما قانون جزای ۱۹۹۴ پاسخ به این سؤال که آیا به هدف مزبور رسیده است یا خیر؟ در بخش های بعدی پاسخ ارائه خواهد شد.

### مبحث چهارم

#### لزوم اروپایی و بین المللی کردن حقوق جزا

امروزه با اجتناب ناپذیر شدن بسیاری از همکاری های منطقه ای و بین المللی، و تشدید فعالیت های اقتصادی برون مرزی یکی از رویه های معمول و متداول بین کشورها جهت تسهیل این امور، انعقاد معاهدات دوجانبه یا چندجانبه است. بدیهی است انعقاد این معاهدات اعم از اینکه



بین کشورهای عضو سازمان ملل یا میان کشورهای هر مجموعه کوچکتر صورت گیرد، تعهداتی را بطور صریح یا ضمنی برای کشورهای امضا کننده بدنبال خواهد داشت. در حال حاضر از مجموعه کشورهای عضو یک معاهده شرکت، جامعه مشترک اروپا به اهداف پیش بینی شده که عبارت است از تشکیل اروپای واحد نزدیکتر شده و گامهای اساسی در این راه برداشته است.

یکی از اصول مشترک پذیرفته شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ضمایم آن، هماهنگ نمودن و نزدیک کردن قوانین جزایی کشورهای عضو به یکدیگر می باشد. توافق مزبور از این ضرورت ناشی شده است که، قانون جزای هر کشور باید همسویی لازم را با تعهدات بین المللی آن کشور دارا بوده و پاسخگوی نیازهای بین المللی نیز باشد. بعنوان مثال: لغو مجازات اعدام از قوانین جزای اکثر کشورهای عضو جامعه اروپا، در راستای همین تعهدات اروپایی بوده است، و نه ناشی از خواست و اراده عمومی و یا مطابقت با ضرورتهای فرهنگی و اجتماعی کشورهای عضو.

قانونگذار فرانسه نیز در همین راستا تحت تأثیر بعضی از اصول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و یا بعضی از رویه های قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر... قوانین جزائی را اصلاح و هماهنگ نموده است. بعنوان مثال ماده هفت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می دارد هیچ مجازات شدیدتری از مجازاتی که در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده است نباید به موقع اجرا گذاشته شود. این اصل، یعنی عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی شدیدتر که در بعضی قوانین سابق از جمله قانون «امنیت و آزادی» نقض شده بود، ۱۹۸۱ قانون جدید را که قانونی شدیدتر از قانون سابق بود، بلافاصله لازم الاجرا می دانست (البته این قانون متعاقباً توسط شورای قانون اساسی غیرقابل اجرا اعلام شد). لذا قانونگذار جدید این اصول مسلم حقوق جزا را که به نحوه اجرای قانون جزا در زمان و مکان مرتبط است تحت تأثیر کنوانسیونهای اروپایی و

بین المللی، بنحو صریح مورد اشاره قرار داده است.<sup>\*</sup>

### گفتار چهارم

#### نحوه و مراحل تدوین قانون جزای فرانسه

بدیهی است در جوامع پیچیده امروزی تدوین، تنظیم و سازگار نمودن یک قانون جزا، کاری بسیار طولانی و ظریف است. زیرا وضع عجزولانۀ قوانین و عدم رعایت سازگاری با شرایط و اوضاع و احوال، به همان اندازه خلاء قانونی آثار سوء بدنبال خواهد داشت.

تاریخچه قانونگذاری در کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که قوانین جزا حاصل تلاش چندین ساله در کمیسیونهای ذی صلاح بوده است. بعنوان مثال، قانون تصویب شده در کشور سوئیس به سال ۱۹۴۲ نتیجه تلاشهایی بود که از سال ۱۸۹۳ آغاز شده بود، و یا قانون جزایی بلژیک مصوب ۱۸۶۷ بمدت ۳۰ سال درباره آن کار شده بود. قانون جزای جدید فرانسه که از تاریخ اول مارس ۱۹۹۴ (برابر با ۱۰ اسفند ۱۳۷۲) به مرحله اجرا گذاشته شده است به تعبیر «پرادل» استاد دانشگاه پواتیه، «حاصل کوششهای قابل توجهی است که در طول یک پنجم قرن صورت گرفته است». «نخستین کمیسیون تجدید نظر قانون جزای ۱۸۱۰ در سال ۱۹۷۲ در وزارت دادگستری فرانسه با ریاست «آرپیانژ» - قاضی عالی رتبه وقت - تشکیل شد و نهایتاً کار خود را با تصویب نامه ۸ نوامبر ۱۹۷۴ رسماً دنبال نمود. هیأت تجدید نظر مرکب از یازده عضو انتخاب شده از میان اعضای کانون وکلا، قضات دادگستری و استادان دانشگاه بودند. از تاریخ صدور تصویب نامه (مصوبه)، کار در قالب دو کمیسیون مستقل که هریک نیز چندین کمیسیون تخصصی در زیرمجموعه خود

\*. "La Sécurité et la liberté"

10. PRADEL JEAN

11. Ce code est le fruit d'efforts considérables prodigués pendant un cinquième de siècle.

12. Arpaillange (Chef de cabinet)

داشتند، با جدیت دنبال شد. بخش عمومی و کلیات قانون به یک کمیسیون و بخش اختصاصی آن به کمیسیون دیگر واگذار گردید. طرح مقدماتی بخش عمومی در سال ۱۹۷۶ و سپس در سال ۱۹۷۸ به پایان رسید و بعنوان طرح پیشنهادی منتشر شده و در معرض بحث عمومی، علمی و دانشگاهی قرار گرفت. بخش حقوق جزای اختصاصی نیز در سال ۱۹۸۱ به پایان رسید. در این سال، با انتقال قدرت سیاسی به حزب سوسیالیست و مرحله دوم تجدیدنظر، با انگیزه تدوین یک قانون جدید جزا با سرپرستی وزیر وقت دادگستری<sup>۳</sup> آغاز شد.

بدنبال این جابجایی قدرت سیاسی تعداد اعضای هیأت تجدیدنظر به ۱۷ نفر افزایش یافت. این هیأت، اولین لایحه پیشنهادی خود را که نکته بارز آن لغو مجازات اعدام بود ولی تا حد زیادی از لوایح قبل الهام گرفته بود، در سال ۱۹۸۳ منتشر نمود که نهایتاً سال ۱۹۸۶ در هیأت دولت مطرح و به تصویب رسید. نکات مهم دیگر این لایحه عبارت بودند از توسعه اصل شخصی کردن مجازاتها - مسؤولیت جزایی تشکلهای مجرمانه (جرائم سازمان یافته)، جرم انگاری اعمال و اقدامات علیه بشریت و ... . در این مدت سعی شده که تمام افراد و سازمانهای ذی ربط مورد مشورت و نظرخواهی قرار گیرند. پیش نویس نهایی سال ۱۹۸۹ در مجلسین (ملی و سنا) مورد بررسی و بحث قرار گرفت و پس از دو مرحله شور و انجام اصلاحاتی در آن، در هر یک از مجلسین و عدم توافق آنها، در نهایت منجر به تشکیل کمیسیون مشترک مجلسین می گردید. این کمیسیون مشترک نیز در بعضی مسائل خاص که توافق در آنها بسیار مشکل بود و کار کارشناسی دقیقتری نیاز داشت، از قبیل بحث دفاع مشروع از اموال یا مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، موضوع را به کمیسیونهای خاص و تخصصی تر ارجاع نمود.

سرانجام، قانون جدید جزای فرانسه بعد از بیست سال بحث و بررسی تخصصی در کمیسیونهای دولت و مجلسین در دوم ژوئیه ۱۹۹۲ در مجلس

### 13. BADINTER ROBERT

شورای ملی با ۲۶۱ رأی موافق از ۲۸۷ رأی و در مجلس سنا در ۷ ژوئیه همان سال با ۳۰۰ رأی موافق از ۳۱۷ رأی از تصویب نهایی گذشت و در ۲۲ ژوئیه همان سال با امضای رئیس جمهور رسماً انتشار یافت و با وجود اینکه در ابتدا قرار بود از اول سپتامبر ۹۳ به موقع اجرا گذاشته شود، با اصلاح قانون، اجرای آن تا اول مارس ۹۴ (۱۰ اسفند ۱۳۷۲) به تأخیر افتاد. در نتیجه، این قانون رسماً از تاریخ اول مارس ۱۹۹۴ قابلیت اجرا پیدا نمود و به نام قانون جزای ۹۴ شهرت یافت.

#### گفتار پنجم

### اصول و اهداف قانون جدید

قانونگذار جدید فرانسه با عنایت به ضرورت‌های اشاره شده در مطالب فوق، ضمن اهتمام در تبیین ارزشهای واقعی و جدید جامعه در قالب قوانین مصوب، اصول و اهدافی را به عنوان رئوس و خطوط کلی سیاست جدید جنایی خویش مد نظر قرار داده است که آنها را می‌توان از دو دیدگاه ساختار شکلی و اهداف ماهوی مورد مطالعه قرار داد.

#### مبحث اول

#### ساختار شکلی

قانونگذار فرانسه سعی نموده است که قانون جدید را از نظر شکلی در قالبی نوین ارائه نماید و به همین منظور تغییراتی را بر مبنای اهداف ماهوی در شکل قانون وارد ساخته است. از مجموع بحث‌های ارائه شده در کمیسیون‌های مربوطه و همچنین کتب و مقالات نگاشته شده در مورد قانون جدید می‌توان سه هدف عمده را که مورد توجه قانونگذار بوده است استخراج نمود.

#### الف. نظم منطقی قانون

از این دیدگاه قانون جدید دارای مزیت‌هایی نسبت به قانون

سابق است، بدین معنی که این قانون بسیار هماهنگ تر و منسجم تر از قانون سابق است و دسترسی به مواد و موضوعات آن ساده تر است. اولین خصیصه آن نحوه ارائه کلیت قانون است که برخلاف قانون ۱۸۱۰ که با تعریف جرائم علیه اموال عمومی آغاز می گردید و قانون جرائم نامیده می شد، این قانون با بیان اصول و نظریه های کلی در حقوق جزا شروع می شود و جرائم علیه اموال عمومی و همچنین وظایف شهروندان نسبت به حاکمیت سیاسی به دلیل آنکه نقش سرکوبی و تهدید قانون جزا را بیان می کند در بخش پایانی قانون قرار گرفته است. استدلالی که برای انجام این تغییر ارائه شده، عبارت از این است که اهمیت کمتر به نقش تریبی و ترذیلی است. قانون جدید دارای پنج کتاب است و هر کتاب ممکن است از چندین عنوان و هر عنوان از چندین بخش و هر بخش از چندین ماده تشکیل شده باشد. کتاب اول، کلیات و نظریه عمومی حقوق جزا است؛ کتاب دوم، جنایات و جنحه ها علیه اشخاص. در این کتاب اولین عنوان به جرائم علیه بشریت اختصاص دارد. کتاب سوم، جنایات و جنحه ها علیه اموال؛ کتاب چهارم جنایات و جنحه ها علیه ملت و دولت و آسایش عمومی و کتاب پنجم، شامل سایر جنایات و جنحه هاست.

خصیصه بارز دیگر آن، نحوه تدوین و شماره گذاری مواد است که بجای شمارش مواد به شیوه معمولی و قدیمی آن از نوعی نظم ریاضی برخوردار شده است. بدین توضیح که هر ماده دارای چهار عدد است:

اولین عدد به کتاب مربوطه اختصاص دارد؛

دومین عدد به عنوان مربوطه اختصاص دارد؛

سومین عدد به بخش مربوطه اختصاص دارد؛

چهارمین عدد به ماده مربوطه اختصاص دارد؛

لازم به ذکر است که اولین ماده قانونی با شماره ۱۱۱.۱ شروع

می شود.

#### ب. وضوح و سادگی انشاء متن قانون

قانون جدید در مقایسه با قانون سابق بنحو بسیار واضح و

روشنتری نگارش یافته است. زیرا نگارندگان این قانون بر این اعتقاد هستند که در کشوری که با دموکراسی اداره می‌شود جنبه آموزشی و پیشگیرانه قانون باید بر سایر جنبه‌ها مقدم باشد. لذا قواعد و مقررات و اصول قانون جزا باید بنحوی تقریر یابد که برای همه اقشار جامعه قابل درک بوده و هر شهروند بتواند به سادگی به آن مراجعه نماید.<sup>۱۲</sup>

### ج. صراحت قانون

قانون جزا باید ارتباط مستقیم با واقعیتهای اجتماعی داشته باشد و ارزشها و مفاهیم حاکم بر جامعه را بیان و مورد حمایت قرار دهد، بنحوی که با مراجعه هر شهروند به قانون جزا همان اصطلاحات و معیارهای روزمره اجتماعی را در قالب اصطلاحات حقوقی، مشاهده نماید، بدین انگیزه که امکان سوء استفاده از سکوت و اجمال قانون و نهایتاً میزان تفسیر سوء از آن تا حد اکثر ممکن کاهش یابد. در همین زمینه قانونگذار جدید برای تأسیسات حقوقی که در سطح جامعه و در بحثهای تئوری وجود عینی دارند از قبیل حمایت از شأن و کرامت و مقام انسانی، جرائم علیه بشریت و همچنین تأسیس شخصیتهای حقوقی و مسؤولیت کیفری آنها، ضوابط و مقررات صریح و لازم را پیش بینی نموده است. البته بدیهی است که پیش بینی مقررات جزایی، در مورد تأسیسات جدید حقوقی از قبیل پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی از یک سو، حمایتی از ماهیت این تأسیسات را داراست و از سوی دیگر، جنبه ارعایی و بازدارندگی دارد، که جنبه اخیر نقش فرعی آن محسوب می‌شود.

### مبحث دوم

#### اصول و اهداف ماهوی

با توجه به رویه قضایی چنددهه اخیر و مشکلاتی که دستگاه قضایی در صحنه عمل با آن مواجه بوده است، قانونگذار فرانسه سعی نموده

۱۲. ربرت برنتر، وزیر وقت دادگستری اثر یاد شده

است، اصول و اهدافی را بعنوان سیاست جنایی جدید و در قالب مواد قانون جدید تبیین نماید که رئوس آن اهداف به شرح ذیل است:

### الف. تقویت و تحکیم دولت قانونمند"

فرانسه کشوری است که دموکراسی در آن حاکم است. بنابراین باید اصل حاکمیت قانون در آن به بهترین وجه رعایت شود و قانون جزا بعنوان تضمین کننده آزادی و حقوق اساسی شهروندان که چارچوب اصلی آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر تعریف شده است، نقش اساسی ایفا می کند. برای تحقق این هدف قانونگذار جدید رعایت و تقویت اصل حاکمیت قانون را در قالب موضوعات ذیل منعکس و متبلور ساخته است.

#### ۱. اصول عمومی حقوق جزا

این موضوع که عنوان اولین بخش قانون جدید است شامل اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، اصل عطف به ماسبق نشدن قانون جزا، اصل تناسب مجازات با اعمال مجرمانه ارتكابی، اصل تفسیر مضیق قانون جزا و شرایط و قلمرو اعمال قانون جزا در زمان و مکان و... است.

#### ۲. مسؤولیت کیفری

در این خصوص قانون جدید از حدود عرفی و قدیمی مسؤولیت مرتکبین مادی جرم فراتر رفته و این امکان را فراهم آورده است تا افرادی از قبیل معاون جرم که بنحوی در ارتكاب جرم نقش اساسی داشته اند، در حد مرتکبین مادی جرم قابل مجازات باشند. همچنین پیش بینی مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی یک تحول اساسی در حقوق فرانسه محسوب می شود. البته قانون جدید تعریفی از مسؤولیت کیفری ارائه نمی دهد و فقط مقرر می دارد «هر شخصی، اعم از شخص حقیقی یا حقوقی، فقط مسؤول عملی

است که منتسب به اوست».<sup>۱۶</sup>

### ۳. مجازات-

با عنایت به اینکه قانون ۱۸۱۰ به دفعات مورد اصلاح واقع شده بود و بعضاً این اصلاحات موضوعی، موجب اختلال در اصول مسلم حقوق جزا از جمله، اصل تناسب بین عمل مجرمانه و مجازات و یا اختلال در رعایت اصل طبقه بندی منطقی مجازاتها از حیث شدت و ضعف آنها گردیده بود، لذا قانونگذار جدید کوشش نموده است که اصول حاکم بر مجازاتها را در چارچوب قانون جدید رعایت نماید.<sup>۱۷</sup>

### ب. پیش‌بینی عناوین مجرمانه جدید

رفع خلاء قانونی در بسیاری از موارد، یکی از انگیزه‌های اصلی قانونگذار در پیش‌بینی عناوین مجرمانه جدید بوده است. انگیزه دیگر قانونگذار فرانسوی تطبیق و هماهنگی واکنشهای کیفری با واقعیت اعمال مجرمانه و شکل‌های نوین بزهکاری بوده است. همچنین از تغییر و جابجایی اولویت‌های قانون جدید در مقایسه با قانون ۱۸۱۰ می‌توان بعنوان انگیزه دیگر قانونگذار یاد کرد. مثلاً در قانون سابق اولویت و تأکید بر حفظ و دفاع از نظم عمومی بوده است. اما در قانون جدید حمایت از حقوق بشر و حرمت و کرامت انسانی در اولویت قرار گرفته است و حمایت از اموال در اولویت دوم و حمایت از مفهوم دولت و آسایش و امنیت عمومی در مرحله سوم قرار گرفته است.<sup>۱۸</sup> در بخش دوم رئوس و مصادیق عناوین مجرمانه

۱۶. برای توضیحات بیشتر به بخش دوم مقاله مراجعه شود:

NUL n'est responsable pénalement que Pour son propre fait.

۱۷. جهت توضیحات بیشتر به بخش دوم مقاله مراجعه شود.

۱۸. البته لازم به ذکر است که این دسته بندی قانونگذار فرانسه بیشتر جنبه نمادین دارد و نه واقعی. بسیاری دیگر بیانگر شدت و ضعف مجازات یا درجه اهمیت آن نخواهد بود. حتی در بعضی موارد مشاهده می‌شود که فقط در عنوانهای مجرمانه یا دسته بندی آنها تغییر حاصل شده است.



جدید و اصلاحات واقع شده را در سه موضوع جرم (I)، مسؤولیت جزایی (II) و مجازات (III) مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### ج. تقویت و تحکیم حقوق بشر و مبانی آن

به نظر صاحب‌نظران حقوق جزای فرانسه<sup>۱۹</sup> امروزه یکی از مهمترین منابع حقوق به ویژه حقوق جزا در فرانسه اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیونهای اروپایی بین‌المللی است که به انگیزه دفاع از حقوق بشر تدوین و تصویب شده‌اند. لذا قانون داخلی نیز باید شرایط و امکان اجرای این حقوق را تضمین نماید.

بر این اساس، مفهوم بشر و حقوق او، از دیدگاه این صاحب‌نظران همان محور و نقطه اتکایی است که تمام شعاعهای ارزشگذاری و معیارهای تنظیم‌کننده براساس آن بنا و منطبق می‌شود.<sup>۲۰</sup> بنابراین حقوق جزا در وهله اول باید دفاع از کرامت انسانی و تضمین و امکان بهره‌وری از حقوق اساسی و اولیه تعیین شده برای بشر را به عهده گیرد و با هر آنچه که به این حقوق اولیه خدشه و ضربه وارد می‌سازد به مبارزه برخیزد. نتیجه اینکه، قانون جدید جزا قانونی انسان‌گراست که از حقوق بشر الهام گرفته است.<sup>۲۱</sup> برای وصول به این اهداف قانون جزا باید با آنچه که این شخصیت انسانی را بصورت جدی تهدید می‌کند، بویژه با اشکال بسیار خطرناک و نوین بزهکاری، با شدت تمام برخورد نماید از قبیل: جرائم سازمان یافته در اشکال مختلف آن، چون قاچاق سازماندهی شده مواد مخدر، باندهای فساد، باندهای مسلح تبهکاری، باندهای تروریسم و اشکال نوین آن و عاملین کشتار انبوه چون بزهکاری ناشی از رانندگی<sup>۲۲</sup> یا

۱۹. از جمله روبرت بدنتر، ژان پرادل

۲۰. این نکته را باید متذکر شد که در لزوم حمایت از بشر، کلیه کشورها با هر دیدگاه فلسفی اتفاق نظر دارند. اما آنچه که موجب اختلاف در قانونگذاری است مفهوم بشر و نحوه تعریف اوست که بالتبع هر یک، بر جنبه‌ای خاص از خصوصیات بشر تأکید دارند.

۲۱. روبرت بدنتر، وزیر وقت دادگستری

فعالیت‌های صنعتی (کسانیکه با عدم رعایت احتیاط‌های لازم در محیط کار و تخلفات از مقررات ارتباطی موجب مرگ یا به خطر افتادن سلامت و امنیت افراد دیگر را فراهم می‌کنند). قانونگذار فرانسه در این موضوعات در اکثر موارد عنوان جنحه را به جنایت تغییر داده است و بالتبع مجازات‌های شدیدتری برای آنها پیش بینی نموده است. علاوه بر این، تهدیدهای کلی نسبت به جامعه انسانی، در خصوص جرائم علیه بشریت مانند کشتار دسته جمعی «خرید و فروش و تجارت انسان» و... نیز موادی را پیش بینی نموده است. در سایر مواد اعمال و تهدیداتی را که علیه افراد خصوصی جرم محسوب می‌شود احصا نموده است از قبیل صدمات وارده به زندگی فردی، صدمه و تجاوز به تمامیت جسمی و روحی انسان، صدمه و تجاوز به آزادی، کرامت انسانی و زندگی خصوصی اشخاص حقیقی.

#### د. حمایت از اشخاص آسیب پذیرتر

بدنبال عدم کفایت قانون سابق در حمایت از بعضی از گروه‌های اجتماعی، قانون جدید تعدادی از مواد قانونی خود را به تقویت حمایت قانونی از گروه‌های ضعیف جامعه که مورد سوء استفاده بزهکاران و مجرمین حرفه‌ای قرار می‌گیرند اختصاص داده است. بعنوان مثال سوء استفاده جنسی از کودکان بوسیله بزهکاران جنسی و یا تشویق به مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و داشتن روابط همجنس‌بازی با آنها جرم شناخته شده است.

دسته دیگر از افراد جامعه که مورد حمایت قانون قرار گرفته‌اند افراد مسن و افراد معلول دماغی هستند.

همچنین، قانونگذار سوء استفاده از ضعیف یا وابستگی افراد دیگری را نیز پیش بینی کرده است.

اکنون مفاهیم جرم و مسؤولیت کیفری و مجازات را در بخش دوم مقاله بطور تفصیل از دیدگاه قانون جزای جدید (۱۹۹۴) مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

## بخش دوم نوآوریهای قانون جدید جزای فرانسه (۱۹۹۴)

### مقدمه

در قانون جدید مقنن فرانسوی به دو جنبش اصلی در مفهوم جرم توجه نموده است. ۱- جنبش جزم زدایی ۲- جنبش جرم انگاری توضیح اینکه در مقایسه با قانون ۱۸۱۰، مقنن بعضی از عناوین مجرمانه را از بین برده است و در حال حاضر دیگر این عناوین جنبه جرم و مفهوم مجرمانه ندارند و عامل یا عاملین آنها بعنوان مجرم تحت تعقیب کیفری قرار نمی گیرند، یعنی در حقیقت از سیاهه عناوین جرایم خارج و وصف مجرمانه از آنها برداشته شده است یا به عبارتی با حذف عنصر قانونی، دیگر عنوان وصف مجرمانه صدق نمی کند، بعنوان مثال ارتباط نامشروع (زنا) در قانون ۱۸۱۰ بعنوان جرم پیش بینی شده بود در صورتی که قانون جدید این عمل را جرم نمی داند، بنابراین می گوییم در این راستا مقنن جرم زدایی نموده است، در حالی که بسیاری از عناوین دیگر که در قانون ۱۸۱۰ بعنوان جرم پیش بینی نشده بود یا مقنن توجهی به آن بعنوان جرم نمی نمود، قانون جدید در این موارد جرم انگاری نموده است و این عناوین در سیاهه عناوین مجرمانه داخل گردیده است. بعنوان مثال جرایم علیه بشریت، قتل عام یا کشتار دستجمعی، جرایم اقتصادی و امثالهم. در نتیجه، در این گفتار سعی بر این است که در مفهوم جرم جزایی در قالب جرم زدایی و یا جرم انگاری مطالبی بیان شود.

### گفتار اول

#### مفهوم جرم

کتابهای دوم تا پنجم در قانون جدید به عناوین مجرمانه و مجازاتهای آنها اختصاص دارد. بعضی از عناوین بدون تغییر از قانون

۱۸۱۰ به قانون ۱۹۹۴ منتقل گردیده است، مانند عنوان جرم سرقت و بعضی از عناوین تا حدودی مورد اصلاح قرار گرفته است، مانند جرم کلاهبرداری که در قانون جزای ۱۹۹۴ از نظر مصادیق و اشکال آن توسعه یافته است. بخشی از این تغییرات و اصلاحات ناشی از تأثیر رویه قضایی چندین ساله اخیر بوده است. این رویه‌ها در بخش حقوق جزای اختصاصی تغییرات عمیقی را موجب شده‌اند. در نتیجه، حقوق جزای اختصاصی در مقایسه با قانون سابق (۱۸۱۰) بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر شده است. صاحب‌نظران در حقوق جزا اعتقاد دارند که این اصلاحات تحت تأثیر دو عامل اساسی صورت گرفته است:

الف. افزایش بی‌رویه بعضی از جرائم مخصوصاً حوادث و تصادفات مجرمانه ناشی از رانندگی که در اکثر موارد منجر به نقض عضو و خسارات فراوانی می‌گردد.

ب. افزایش جرائم سازمان یافته توسط افراد خاصی در جامعه کنونی فرانسه، بعنوان مثال: قاچاق مواد مخدر و یا اعمال تروریستی و ایجاد رعب و وحشت در جامعه و یا اقدامات علیه امنیت عمومی و...  
عوامل فوق سبب گردیده که مقنن جدید مجازاتها را تشدید نماید. عناوین مجرمانه در قانون جدید ۱۹۹۴ از دو جنبه قابل بررسی است.

#### ۱. عناوین مجرمانه جدید

بدین معنی که مقنن جدید بعضی از عناوین را که در قانون سابق وجود نداشته ابداع نموده است که این عناوین از این حیث جدید نامیده می‌شوند. (مبحث اول)

#### ۲. تشدید عناوین مجرمانه سابق

توضیح اینکه بسیاری از عناوین مجرمانه در این قانون همان عناوین مجرمانه سابق هستند. منتهی از بعضی جهات تشدید گردیده‌اند. (مبحث دوم)

## مبحث اول

### عناوین مجرمانه جدید

اولین سؤالی که ممکن است در ذهن خطور کند این است که آیا مقنن جدید از سیاست کیفرزدایی<sup>۳</sup> بیشتر پیروی کرده است یا از سیاست جرم‌انگاری؟ پاسخ این است که مقنن فرانسوی در قانون ۹۴ سعی در افزایش عناوین مجرمانه داشته است و میزان کیفرزدایی‌ها در مقایسه با پیش‌بینی عناوین مجرمانه از درصد بسیار پایینی برخوردار است.

سؤال دیگر این است که عناوین مجرمانه جدید کدامند؟ چه عناوین جدیدی در این قانون اضافه شده است؟

فهرست بعضی از این عناوین در قانون ۱۹۹۴ به شرح ذیل آورده می‌شود:

۱. تروریسم زیست-محیطی: اعمال و اقداماتی که منجر به تخریب و از بین بردن محیط زیست می‌گردد؛
  ۲. شکنجه و اعمال خشونت بی‌رحمانه و خلاف کرامت انسانی؛
  ۳. سرقت انرژی (برق و امثالهم)؛
  ۴. مزاحمت و ایراد صدمه از طریق تلفن؛
  ۵. استخدام و به‌کارگیری افراد در کارهای غیرانسانی و خلاف کرامت انسانی؛
- از میان عناوین مجرمانه جدید، به دو عنوان ذیل که در خور توجه بیشتری است می‌پردازیم.

### الف. جرایم علیه انسانیت

جنایات و جنحه‌ها علیه اشخاص، عنوان دومین کتاب قانون جزای

#### 23. Dépenalisation

کیفرزدایی از جمله سیاست‌های جدید کیفری است که در دهه‌های اخیر و بویژه بعد از ظهور و گسترش مکتب دفاع اجتماعی نوین به رهبری مارک آنسل در اروپا و فرانسه دنبال می‌شود. مطابق این سیاست باید وصف مجرمانه بسیاری از اعمال ضداجتماعی را مدنظر قرار داده و به طرق غیرجزایی یا آنها مبارزه کرد.

\*. Le Terrorisme écologique

جدید است که مقنن به لحاظ اهمیت و حساسیت عنوان مجرمانه جرائم علیه بشریت، اولین موضوع و اولین جرم از این دسته از جرائم را طی مواد ۱-۲۱۱ الی ۳-۲۱۲ به جرائم علیه بشریت اختصاص داده است. اختصاص موادی از قانون ۱۹۹۴ به جرائم علیه بشریت آن هم در ابتدای کتاب دوم، از نظر عده‌ای از صاحب‌نظران عملی نمادین و حاکی از سیاست جنائی خاصی است که قانونگذار فرانسه در این قلمرو اتخاذ کرده است. زیرا قانون باید مبین ارزشهای واقعی در جامعه باشد.

در قرن نوزدهم از جمله معاهدات بین‌المللی که در خصوص جرائم علیه بشریت منعقد گردیده است می‌توان از معاهده "La Haye" که در سال ۱۸۹۹ تصویب شده نام برد. در قرن بیستم، ریشه و مبنای اصلی منع شکنجه و اعمال و اقدامات غیرانسانی را در جنگهای جهانی می‌توان جستجو کرد که در جریان جنگ دوم جهانی تعدادی از کشورها قراردادهایی را در این خصوص منعقد و به امضا رساندند. سه کشور بزرگ (امریکا، شوروی و انگلیس) در سال ۱۹۴۳ میلادی (۳۰ اکتبر) اولین توافق در مسکو امضاء کردند. و بدنبال ایجاد دادگاه نظامی بین‌المللی، قراردادی دیگر در ۸ اوت ۱۹۴۵ بوسیله چهار کشور آمریکا، شوروی، انگلیس و فرانسه به امضاء رسید. سپس معاهده سازمان ملل متحد در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ در مورد منع کشتار دسته‌جمعی به امضاء رسید که فرانسه طی تصویب نامه ۲۴ مه ۱۹۵۰ به این معاهده ملحق شد.

این توافقیهای بین‌المللی موجب گردید که شعبات کیفری دیوان عالی کشور فرانسه بتواند در خصوص پرونده‌ها و یا موضوعاتی که به نحوی از انحاء به جرائم علیه بشریت ارتباط پیدا می‌نمود، استناد نموده و در نتیجه نظراتی را ارائه نماید.\* از جمله آرای صادره می‌توان به رأی شعبه کیفری

\* جهت توضیحات بیشتر رجوع شود به مقاله آقای دکتر نوربها (رضا)، انسانیت و جرائم علیه آن، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱-۱۲ (سال ۷۲-۷۱)، صفحات ۲۱۰ الی ۲۲۰؛ و همچنین مقاله آقای دکتر محمدعلی اردبیلی، جامعه بین‌المللی و کشتار دسته‌جمعی (ترجمه)، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، سال ۷۱، صفحات ۲۱۹ به بعد.

دیوان کشور که ناظر به تعریف و توصیف عنوان مجرمانه جرایم علیه بشریت بوده و در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۵ صادر گردیده است، اشاره کرد. در حقیقت این رأی یکی از منابع اصلی ماده قانونی ناظر به عناوین جرائم علیه بشریت در قانون ۱۹۹۴ می باشد. لذا به لحاظ اهمیت موضوع خلاصه ای از مضمون رأی آورده می شود:

اعمال و اقدامات غیرانسانی و وحشیانه بنام دولتی که خود را از نظر ایدئولوژی و سیاسی برتر و عالی تر می داند نسبت به کسانی که عقیده و یا مذهب (مذهبی) مغایر با آن دولت داشته و یا می توان گفت که کلیه اقدامات و اذیت و آزارهای نسبت به هر گروه سیاسی و احزاب و فرقه های مخالف دولت حاکم را جرائم علیه بشریت نامید.<sup>۳</sup>

پیش بینی عنوان جرائم علیه بشریت در قانون جدید نتیجه تأثیر و نفوذ رویه های قضایی دیوان کشور در سیاست جنایی تقنینی است. حتی در بعضی از موارد رویه قضایی موجب پیدایش و یا به تعبیر دیگر منبع اصلی قانون جدید بوده است. بعنوان مثال ربودن انرژی (برق و...) که امروز بعنوان جرم سرقت محسوب می گردد (ماده ۳۱۱.۲)، در سابق، رویه قضایی، این عمل را از مصادیق سرقت (ربودن متقلبانه شیء منقول متعلق به دیگری) می دانست و لکن ماده ای به جرم بودن آن اشاره نمی کرد. در مورد جرائم علیه بشریت نیز مقنن تحت تأثیر رویه قضایی محاکم کیفری قرار گرفته است.

نکته دیگر اینکه اختصاص موادی بالصراحه تحت عنوان جرائم علیه بشریت مؤید تأثیر سیاست جهانی و بخصوص سیاست واحد اروپایی در قانونگذاری فرانسه می باشد. مقنن جدید فرانسوی به تبعیت از سیاست جهانی در سازمان ملل متحد و خط مشی حاکم در کمیسیون اروپای واحد،

24. arrêt du 20 déc. 1985. de la chambre criminelle. "Les actes inhumains et les persécutions au nom d'un Etat pratiquant un politique d'hégémonie idéologique, ont commis de façon systématique ou collective, non seulement contre les personne en raison de leur appartenance à une communauté raciale ou religieuse, mais aussi contre les adversaires de cette politique, quelle que soit la forme de cette opposition".

اقدام به جرم‌انگاری اقدام‌های علیه بشریت نموده است. همچنین در کشور فرانسه پرونده‌هایی تحت عنوان جرائم علیه بشریت تحت تعقیب و بعضاً متجر به صدور حکم نیز گردیده از جمله پرونده شخصی را که در زمان اشغال فرانسه بوسیله ارتش آلمان نازی، مسؤول پلیس دولت ویشی بوده است تحت عنوان ارتکاب جرایم علیه بشریت علی‌رغم اینکه در سالهای گذشته پرونده منتهی به صدور حکم شده و مجرم مشمول عفو رئیس جمهور وقت گردیده و لکن با دلائل جدید پرونده مورد رسیدگی مجدد قرار گرفته و علیرغم کهولت سنی مرتکب، دادگاه وی را به حبس ابد محکوم نموده است. رسیدگی مجدد به این پرونده در فرانسه از جهاتی از جمله اینکه محاکمه این اشخاص باید عبرتی باشد برای دیگران توجیه می‌گردد.

#### ب. خطر ناشی از عملی برای دیگران

جرم جدیدی که از ماهیت «جنحه» برخوردار است در قانون جدید عنوان «عملی که برای دیگری موجب خطر باشد» دارد. طبق آمار منتشره هر سال در فرانسه عده‌ای از افراد در اثر حوادث کار و یا جرائم ناشی از رانندگی جان خود را از دست می‌دهند و یا اینکه در معرض خطر نقص عضو و صدمات دیگر قرار می‌گیرند. در نتیجه، مقنن عملی را که موجب خطر و صدمات و خسارات برای دیگری باشد بعنوان «جرم بازدارنده»<sup>۲۵</sup> یا به تعبیر دیگر «جرم مانع» در نظر گرفته تا از این طریق بتواند موجبات کاهش این تلفات و خسارات و ارتکاب جرائم شدیدتر را فراهم سازد. در حقیقت لحاظ این عنوان بیشتر جنبه پیشگیرانه دارد تا سرکوبگری و مجازات. البته در گذشته طبق قانون ۱۸۱۰ و اصلاحات بعدی، این عمل بعنوان کیفیات مشدده در جنحه‌ها و یا در جرایم از نوع خلاف تلقی می‌گردید. ماده ۱-۲۲۳ قانون جدید در این مورد را چنین پیش‌بینی نموده است: فاعل فعلی که دیگری را بطور مستقیم در



معرض خطر مرگ یا جراحاتی قرار دهد که ماهیتاً منجر به نقص عضو یا ناتوانی دائم می‌گردد و این عمل از وقتی آشکار و عمدی یک وظیفه خاص قانونی یا اداری و انضباطی مربوط به مقررات حفاظتی و ایمنی ناشی شده باشد عامل به یک سال حبس و صدهزار فرانک جریمه محکوم خواهد شد»<sup>۳</sup>.

لازم به ذکر است که باید بین دو عبارت «خطر فوری مرگ یا جراحت» و «خطر مرگ فوری یا جراحت فوری» فرق گذاشت زیرا آنچه مراد مقنن است خطر فوری مرگ یا جراحت است، یعنی قید فوری به خطر عمل حمل می‌شود نه به نتیجه عمل که مرگ یا جراحت باشد. در خصوص وقوع خسارت باید اضافه کرد که خسارات بالقوه کافی است و در اینجا خسارت بالقوه مراد است نه خسارت واقعی و عینی. نکات ذیل در خصوص جرم مزبور قابل ذکر به نظر می‌رسد.

#### ۱. از نظر عنصر روانی جرم

عنصر روانی در این جرم عبارتست از تصمیم به نقض تکالیفی که مفاد آن بعضاً در قوانین خاص یا در آیین نامه‌های مربوطه مشخص و تبیین شده است. اعم از اینکه این ضوابط و مقررات در قوانین بطور صریح قید شده باشد مانند مقررات راهنمایی و رانندگی یا اینکه در آیین نامه‌های اختصاصی پیش بینی شده باشند از قبیل آیین نامه مقررات بازی در میدانها.

#### ۲. از نظر نحوه اجرای این ماده

یقیناً اجرای این ماده قانونی با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد.

26. Art 223-1= Le fait d'exposer directement autrui à un risque immédiat de mort ou de blessures de nature à entraîner une mutilation ou une infirmité permanente par la violation manifestement délibérée d'une obligation particulière de sécurité ou de prudence imposée par la loi ou le règlement est puni d'un an d'emprisonnement et de 100,000 f d'amende.

از جمله در مقام اثبات عملی که موجب خطر برای دیگری می‌گردد، و یا در مورد اثبات رابطه علیت بین خطر و نتیجه یا نتایج حاصله از آن و یا اثبات رابطه علیت بین وضعیت و موقعیت عامل جرم با خسارات احتمالی (محتمل الوقوع). مشکل دیگر در اجرای این ماده، عبارت است از اینکه در هنگام توصیف اعمال، مواد و متون قانونی بسیاری قابلیت اعمال خواهند داشت. در حالی که این مواد و مقررات ناظر به «خلاف» بودن عمل می‌باشد، ولی عنوان اتخاذ شده از سوی مقنن در ماده مزبور جنحه است. در نتیجه اختلاف در اعمال قانون صالح با ماهیت‌های مختلف جنحه‌ای یا خلافی، معلوم نیست که کدامیک از این متون و نصوص قابلیت اجرا دارد.

۳. از نظر تغییر موضع مقنن، با مشاهده کلی این ماده می‌توان یک «دگرگونی روانی» در مواضع مقنن ۱۸۱۰ و مقنن ۱۹۹۴ ملاحظه نمود. توضیح اینکه مقنن ۱۸۱۰ در این اعمال، بیشتر بر خسارت تأکید داشته و برای او وقوع خسارت اهمیت داشته است. این مفهوم از عبارت «ناتوانی موقت یا کامل» مستفاد می‌شود. اما مقنن جدید در ۱۹۹۴ به وقوع خسارت توجه نداشته و نظر خود را به «حالت و اوضاع روانی مرتکب» معطوف می‌دارد و اصرار بر حالت روانی مرتکب دارد. لذا طبق این ماده از این پس عملی که موجب جراحت غیر عمدی (غیرارادی) است، حتی در صورتی که به ناتوانی و عدم کارآیی هم منجر نشود، بعنوان یک عمل مجرمانه از نوع جنحه تلقی خواهد شد نه خلاف.

البته لازم است که این عمل از نقض و یا عدم رعایت آئین نامه و ضوابط حفاظتی و ایمنی ناشی شده باشد، نه هر عملی. بنابراین فقط اعمالی که در اثر عدم رعایت شروط یا مقررات مندرج در آیین نامه‌ها یا قانون خطری برای دیگران فراهم آورد، عمل مجرمانه محسوب می‌شود. مقنن در اینجا از دکترین و در عین حال از روش و نمونه‌های مشابه که در قوانین اروپایی و یا در کشورهای امریکایی وجود دارد، پیروی و تبعیت نموده است.

## مبحث دوم

## تشدید رژیم حقوقی بعضی از جرایم سابق

نویسندگان قانون جزای ۱۹۹۴ در بعضی از موارد عناوین مجرمانه سابق را تشدید و مجازاتها را به تناسب آن سنگین تر نموده اند که می توان این موضوع را از دو جنبه مورد بحث قرار داد:

## الف. از نظر قلمرو اجرایی

قانون ۱۹۹۴ در مقایسه با قانون ۱۸۱۰ از بعضی جهات، بخصوص مصادیق عناوین مجرمانه توسعه یافته و قلمرو آن وسیع تر شده است. عبارت دیگر، قانونگذار به مکانیسم «جرم انگاری» متوسل شده است. بعنوان مثال؛ اگر در سابق تنها جرائم از نوع جنایت مشمول تعریف و عنوان جرم مشارکت می گردید، امروز مقنن جرائم از نوع جنحه را نیز به آن اضافه نموده است.

ماده ۱- ۴۵۰ پیش بینی کرده: «جرم مشارکتی<sup>۳</sup> عبارت است از تشکیل باندهای تبهکاری منجر به ارتکاب یک یا چندین جنایت یا یک یا چندین جنحه شد به ده سال حبس محکوم خواهد شد در صورتی که توسط یک یا چند نفر طراحی شده باشد».

ماده ۲۶۵ قانون ۱۸۱۰ پیش بینی می کرد: جرم از نوع جنایت علیه اشخاص یا علیه اموال دیگران، جرم مشارکت را تشکیل می دهد.

پس قانون سابق اجتماع چند نفر را در ارتکاب یک یا چند جنایت، «مشارکت» تلقی می نمود. لیکن قانون جدید، قلمرو شرکت در جرم را توسعه داده و در نتیجه اجتماع چند نفر در ارتکاب یک یا چند جنایت و یا اجتماع یک یا چند نفر در ارتکاب یک یا چند جنحه را مشارکت در جرم قلمداد می کند.

27. L'infraction d'association de malfaiteurs.

**ب. از نظر تشدید مجازات**

در ارتباط با تشدید مجازات بعضی از جرایم سابق، باید از سه جنبه این مطلب را مورد مطالعه قرار داد:

**۱. افزایش مجازات و تأثیر آن در ماهیت جرم**

یکی از عناوین مجرمانه که قانون سابق نیز آن را پیش بینی کرده بود، قاچاق مواد مخدر است. لیکن قانون جدید از بعضی جهات آن را مورد اصلاح قرار داده است. حمل و نقل مواد مخدر طبق قانون سابق بعنوان جرم جنحه ای تلقی می گردید، یعنی مجازاتی که برای آن در نظر گرفته شده بود، حداکثر تا ۲۰ سال حبس بود. اما، قانون ۱۹۹۴ این عمل مجرمانه را با افزایش مجازات از نوع جنایت منظور می نماید. بنابراین افزایش مجازات باعث تغییر ماهیت عمل مجرمانه شده است.

طبق قانون جدید، ساختن مواد مخدر به قصد خرید و فروش جنایت به حساب آمده و مجازات حبس ابد برای آن در نظر گرفته شده است (ماده ۳۴-۲۲۳). لازم به توضیح است که مقنن جدید عنوان مجرمانه قاچاق مواد مخدر که در سابق در قانون بهداشت عمومی درج گردیده بود را به قانون ۱۹۹۴ منتقل کرده و در ضمن ماهیت بعضی از مصادیق آن را با افزایش مجازات تغییر داده است. بعنوان مثال، اداره و رهبری و تشکیل باند و گروه و دستجات برای قاچاق مواد مخدر و همچنین تولید یا ساخت مواد مخدر بطور گروهی نیز جنایت تلقی می شود.

عنوان مجرمانه شکنجه و اقدامات غیرانسانی در قانون سابق از ماهیت و نوع جنحه ای برخوردار بوده و یا بعضاً در صورت اعمال کیفیات مشدده از نوع جنایت تلقی می گردید. ولی مقنن جدید این اعمال را بعنوان یک عمل مجرمانه مستقل و از ماهیت جنایت معرفی و برای هریک از آنها مجازات جداگانه تعیین کرده است. (ماده ۲۲۲-۱)

**۲. افزایش مجازات و تجدیدنظر در کیفیات مشدده**

مقنن جدید در بعضی از جرائم مفهوم و موارد کیفیات مشدده را مورد

تجدید نظر و اصلاح قرار داده است: بعنوان مثال: در جرم قتل، جراحی غیر عمدی چنانچه در اثر فقدان یا عدم رعایت مقررات ایمنی و احتیاطی صورت گیرد، جرم با کیفیات مشدده تلقی می گردد. (بند ۲- ماده ۶-۲۲۱ و بند ۲- ماده ۱۹-۲۲۲). در بعضی از حالات کیفیات مشدده باعث تغییر نوع عمل مجرمانه می شوند یعنی از جنحه به جنایت تبدیل می گردند. در قانون سابق کیفیات مشدده به همراه جرم اصلی باعث نمی شد که ماهیت جرم تغییر کند، یعنی در واقع تأثیری در ماهیت جرم نمی گذاشت و فقط مجازات را سنگین و تشدید می کرد، در نتیجه از نظر صلاحیت رسیدگی دادگاهها و موارد کلی تأثیری نمی گذاشت. اما، قانون جدید پیش بینی نموده است که کیفیات مشدده نه تنها مجازات را افزایش می دهند بلکه در نظام حقوقی و ماهیت جرم اصلی تأثیر گذاشته و بالتبع تأثیر در موارد شکلی از جمله دادگاه صالح رسیدگی کننده به پرونده تأثیر می گذارد. بعنوان مثال: کیفیات مشدده در ایجاد دسته و گروه، برای جرائم سازماندهی شده سبب تغییر ماهیت جرم از جنحه به جنایت می گردد. بنابراین در جرائم سرقت، کلاهبرداری، اخاذی، جعل اسکناس، یا اختفای اموال مسروقه در صورت وقوع این جرائم همراه با کیفیات مشدده از جمله ایجاد گروه و باند سبب تغییر از نوع جنحه به جنایت می گردد.

### ۳. تشدید رژیم مجازاتها (بدون تأثیر در نوع جرم)

مقنن جدید فرانسوی درباره بعضی از عناوین مجرمانه سابق مجازات را افزایش داده، در حالیکه این افزایش هیچ تأثیری در نوع و ماهیت جرم اصلی نمی گذارد. بعنوان مثال: اعمال تروریستی (ایجاد رعب و وحشت در مردم). مقنن مواد ۱-۴۲۱ به بعد را به ذکر موارد اعمال تروریستی اختصاص داده است، بدون اینکه این اعمال را تعریف کند و هرگاه جرمی با اعمال تروریستی واقع شود، این اعمال فقط سبب افزایش مجازات می گردند، بدون اینکه تأثیری در نوع جرم داشته باشد. مثلاً چنانچه مجازات جرم در حالت عادی ۱۰ سال زندان باشد، ارتکاب عمل با توسل به اعمال تروریستی به مجازات ۱۵ سال حبس تبدیل خواهد شد. اعمال

تروریستی در جرمی که مجازات آن ۵ سال حبس بوده به ۷ سال حبس افزایش می‌یابد.

لازم به ذکر است اعمال تروریستی به تنهایی امروز بعنوان کیفیات مشدده تلقی نمی‌گردد، بلکه مقنن جدید این نوع اعمال را یک جرم مستقل تلقی می‌کند.

### گفتار دوم

#### مسئولیت کیفری در قانون جدید ۱۹۹۴

همچنانکه قبلاً اشاره شد یکی از خصایص قانون جدید جزای فرانسه، جمع‌آوری کلیه اصول عمومی حقوق جزا در یک بخش و تحت عنوان کتاب اول است. از جمله تدوین اصول و قواعد مسئولیت کیفری است. در صورتیکه در قانون سابق این عنوان ذکر نشده و فقط عناصر تشکیل دهنده آن در خلال مواد متعدد بیان گردیده بود. این موضوع را در قالب عناوین ذیل مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

### مبحث اول

#### تعریف مسئولیت کیفری

قانون جدید جزا، همچون اکثر قوانین کیفری دیگر، تعریفی از مسئولیت جزایی ارائه نداده و حتی از بکار بردن لفظ خطای کیفری<sup>۲۸</sup> نیز خودداری کرده است. ماده ۱۲۱-۱ بیان می‌دارد: «هیچکس از نظر جزایی مسؤول نیست مگر در قبال عمل منتسب به او». از نحوه انشای این ماده چندین نکته استنباط می‌شود: اولاً، مسئولیت کیفری شناخته شده در این ماده مسئولیتی شخصی است. بنابراین اعمال مستوجب واکنش جزایی ممکن است منتسب به شخص حقوقی یا شخص حقیقی باشد. این دقت قانونگذار در راستای برسمیت شناختن مسئولیت کیفری شخص حقوقی است. نتیجه دیگر اینکه، قانونگذار به انگیزه اینکه تمام اشکال نوین اعمال مجرمانه را

28. La faute pénale.

تحت پوشش قرار دهد از بکار بردن لفظ قصد مجرمانه<sup>۳</sup> یا قصد انجام عملی که... خودداری کرده است. بنابراین دادگاه یا شاکی از اثبات سوء نیت یا قصد مجرمانه معاف شده است، آنچه که اثبات آن خصوصاً در بسیاری از اعمال نوین منع شده توسط قانون، بسیار مشکل به نظر می‌رسد.

## مبحث دوم

### نظریه مسؤولیت کیفری و تقسیم بندی جرایم

باتوجه به مشکل بودن اثبات قصد مجرمانه در بسیاری از اعمال منع شده بوسیله قانون از یک سو و برسمیت شناختن مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی از سوی دیگر، و نظر به اینکه احراز و اثبات سوء نیت جزایی در مورد دسته اخیر مهمترین مانع ورود این اشخاص به دایره حقوق کیفری بوده است، لذا قانونگذار فرانسه جهت اجتناب از ورود به این بحث بدون نتیجه، ملاک و معیار مسؤولیت کیفری را قابلیت انتساب عمل به شخص دانسته است و داشتن سوء نیت را در ارتکاب اعمال مجرمانه مفروض تلقی کرده به همین جهت ماده ۱۲۱-۳ بیان می‌دارد که تمام اعمال مجرمانه (جنایات - جنحه) عمدی هستند مگر در موارد استثنایی پیش بینی شده توسط قانون. بدین ترتیب تقسیم بندی سابق جنحه‌ها به اعمال مادی و غیرمادی سالبه به انتفای موضوع خواهد بود. در این خصوص ماده ۱۲۱-۳ اشعار می‌دارد:

«جنایت یا جنحه، بدون قصد ارتکاب آن، وجود ندارد.»<sup>۴</sup> اما وجود جرم و لحاظ عنصر روانی جرم را در جنحه، در موارد بی‌احتیاطی، غفلت یا قراردادن عمدی دیگری در معرض خطر لازم دانسته است در خصوص جرائم خلافی بیان می‌دارد: «خلاف در حالت فورس مازور (قوه قاهره) وجود ندارد.»

بدین ترتیب، بنابر ماده ۱۲۱-۳ ارتکاب تمام اعمال منع شده در

29. Intention criminelle.

30. Il n'y a point de crime ou de délit sans intention de le commettre.

قانون جزا، عمدی و با سوء نیت محسوب شده و برهم زدن نظم عمومی تلقی می‌گردد. بنابراین قصد مجرمانه افراد در اعمال جنایت و جنحه مفروض است. البته در موارد تصریح قانونی، عنصر معنوی جنحه ممکن است یکی از سه مورد بی احتیاطی، غفلت و قراردادادن عمدی فرد دیگری در معرض خطر باشد، در نتیجه فرض غیرعمدی بودن جنایات با توجه به ماده ۳-۱۲۱ یک اصل ضروری غیرقابل انکار است. قانون جدید در خصوص جرائم خلاف که می‌تواند اعمالی عمدی یا غیرعمدی باشد فقط در یک مورد سلب مسؤولیت مرتکب را تصریح کرده است. و آن هم حالت فورس مازور (قوه قاهره) است. بدیهی است، تعیین مصادیق فورس مازور با دادگاه و رویه قضایی است.

### مبحث سوم

#### اشخاصی مسؤول

علاوه بر اشخاص حقیقی یا مرتکبین عادی جرائم یعنی مباشر، شریک و معاون، از جمله نوآوریهای قانون جدید (ضمن انجام اصلاحاتی در مفاهیم سنتی قانون سابق) پیش بینی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی است. نظر به اهمیت این نوآوریها بحث حاضر در دو قسمت اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی ارائه می‌شود.

#### الف. مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی

نحوه تعیین میزان مسؤولیت مجرمین متعدد در ارتکاب جرم واحد نکته ای است که بسیار مورد توجه نویسندگان طرح اولیه قانون جزا بود. اما به دنبال بحث‌های پارلمانی موضوع به اشکال سنتی شرکت در جرم از قبیل معاونت و مشارکت محدود گردید. بدین توضیح که «تحریک و اغوا»<sup>۳</sup> به ارتکاب جرم تحت عنوان جرمی مستقل پیش بینی شده بود، اعم از اینکه جرم اصلی به وقوع می‌پیوست یا مرتکب قابل مجازات بود یا خیر؟ نهایتاً قانونگذار مصادیق شمرده شده ذیل معاونت در جرم و

31. Instigation



مجازات معاونت در جرم را کافی دانست و مجازات معاونت در جرم را همان مجازات مباشر جرم تعیین نموده است. ماده ۱۲۱-۶ بیان می‌دارد: «معاون در جرم مثل مباشر در جرم مجازات خواهد شد.» و در ماده ۱۲۱-۷ معاونت را چنین تعریف می‌کند: «معاون در جنایت یا جنحه، کسی است که با کمک یا همکاری مقدماتی، ارتکاب عمل مجرمانه را تسهیل نموده باشد. همچنین کسی معاون در جرم تلقی می‌شود که از طریق قول، تهدید، دستور و فرمان، سوء استفاده از آمریت یا قدرت، تحریک به ارتکاب یک عمل مجرمانه کرده باشد، یا اینکه وسایل ارتکاب جرم را در اختیار قرار داده باشد. از نحوه نگارش ماده ۱۲۱-۶ می‌توان استنباط کرد که قانونگذار جدید تمایل داشته است به بحث‌های پیچیده تبعیت نظر به استعاره بودن مسؤولیت جزایی معاون از مسؤولیت کیفری مباشر پایان ببخشد و معاون در جرم حسب تعریف اعلام شده در ماده (۱۲۱-۷) فقط از نظر میزان مجازات از مباشر تبعیت می‌کند.

با مقایسه ماده فوق از قانون جدید با ماده ۵۹ قانون سابق (که مقرر می‌داشت: «معاونین یک جنایت یا جنحه مجازات مباشر همان جرم محکوم شده است مجازات خواهند شد، جز در موارد استثنائات پیش بینی شده در قانون) استنباط می‌شود که اولاً در ماده ۵۹ مسؤولیت جزایی معاونین از مسؤولیت مباشر تبعیت می‌نمود، ثانیاً معاون جرم الزاماً به همان مجازات مباشر محکوم می‌شد، لذا چنانچه مباشر به دلایلی از تخفیف مجازات و... بهره‌مند می‌شد، مجازات معاون همیشه تابعی از آن محسوب می‌گردید. اما قانونگذار جدید بیان داشته است که معاون جرم به همان مجازات مباشر جرم، محکوم خواهد شد. بعبارت دیگر از نظر میزان مجازات در حکم مباشر خواهد بود. در نتیجه وابستگی میزان مجازات معاون، به مجازات مباشر جرم منتفی می‌گردد، یعنی مسؤولیت کیفری معاون جرم باتوجه به قانون جدید یک نوع مسؤولیتی شخصی است. با توجه به قانون جدید اعمال مجازات علیه معاون، منوط به محکومیت مباشر اصلی جرم نیست.

### ب. اشخاص حقوقی و مسؤلیت کیفری

علی‌رغم اینکه رویه قضایی فرانسه در سالهای اخیر زمینه مناسبی را برای پذیرش مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی فراهم کرده بود، لیکن به دلیل خلاء قانونی، برسمیت شناخته شدن مسؤلیت جزایی اشخاص حقوقی تحولی قابل توجه در حقوق جزای فرانسه محسوب می‌شود. دلیل این پذیرش، واقعیت داشتن بزهکاری اشخاص حقوقی و لزوم واکنش مناسب قانونی و حمایت از نظم عمومی جامعه در مقابل این نوع بزهکاری استدلال شده است و در خصوص پیش‌بینی مجازات‌ها که همیشه یکی از موانع و محورهای بحث بوده است، می‌توان بسیاری از مجازات‌هایی را که مناسب این تأسیس حقوقی است پیش‌بینی و به موقع اجرا گذاشت از قبیل: انحلال، و تعطیل نمودن مؤسسه بجای مجازات اعدام و زندان یا مصادره اموال و یا مجازات جریمه نقدی

ماده ۱۲۱-۲ قانون جدید مجازات بیان می‌دارد: «اشخاص حقوقی، باستثناء دولت، از نظر جزایی مسؤول هستند. براساس ملاکهای مواد ۱۲۱-۷ و ۱۲۱-۴ و در محدوده موارد پیش‌بینی شده در قانون یا بخشنامه‌ها در خصوص اعمال مجرمانه‌ای که به حساب آنها، یا توسط سازمانهای وابسته به آنها و یا بوسیله نمایندگان آنها ارتکاب می‌یابد.» از متن ماده فوق می‌توان نتایج ذیل را استنباط نمود:

- (۱) استثناء بودن اصل مسؤلیت جزایی اشخاص حقوقی که منحصر به موارد احصا شده در متن قانون یا بخشنامه‌های صادره خواهد بود.
- (۲) مسؤلیت جزایی دولت علی‌رغم اینکه در لایحه پیشنهادی گنجانده شده بود، در متن قانون حذف گردیده است اما، این امر مانع از تحقق مسؤلیت کیفری ارگانهای دولتی که مسؤول اعمال تصدی هستند، نیست. همچنانکه تاکنون هیچ کشوری چنین مسؤولیتی را نپذیرفته است. اما اینکه چه نوع اشخاصی می‌توانند مسؤول شناخته شوند، باید گفت براساس مفاد متن قانون، ممکن است اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، مؤسسات مدنی یا تجاری کلیه اشخاص حقوقی ثبت شده، سندیکاهای صنفی، تشکلهای اقتصادی گروههای مدنی تشکیل شده براساس قانون

و... مسئول عمل مجرمانه خود تلقی شوند. پدیده‌ی است در موارد تردید، رویه قضایی مصادیق شخصیت حقوقی را تعیین خواهد کرد.

۳) نتیجه و نکته مهمی که ماده فوق به همراه دارد، شروطی است که اعمال مجرمانه به همراه خواهند داشت؛ به عبارت دیگر، آیا عمل مجرمانه باید به حساب شخص حقوقی انجام شده باشد و یا توسط سازمانها و نمایندگان شخص حقوقی آنچه که بطور قطع در صحنه عمل و تفسیر قانون مشکل ایجاد خواهد کرد، اعمالی است که به حساب شخص حقوقی و یا توسط نمایندگان شخص حقوقی انجام می‌گیرد. در هر حال در این بخش باید منتظر رویه قضایی بود تا ملاکهای لازم برای تشخیص اعمال شخصی افراد و اعمالی که به حساب شخص حقوقی و بعنوان نمایندگی او انجام می‌گیرد به دست آید.

ماده فوق در ادامه مقرر می‌دارد که: سازمانها انجمن‌های ناحیه‌ای و سرزمینی و مؤسسات وابسته به آنها نیز از نظر جزایی مسؤول نیستند مگر اینکه در قالب فعالیتهای قابل واگذاری، مرتکب اعمال مجرمانه‌ای شوند. نهایتاً در بخش پایانی ماده تصریح شده است که «مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی موجب نفی مسئولیت جزایی اشخاص حقیقی بعنوان مباشر یا معاون در همان جرم نخواهد شد.» موضوع قابل توجهی که در این بخش از ماده ذکر شده است راجع به نمایندگی‌ها و مؤسسات منطقه‌ای اما وابسته به شخص حقوقی حقوق عمومی یعنی دولت و قدرت حاکم است. بدین توضیح که در این ماده شرط معافیت سازمانها و ارگانهای منطقه‌ای دولتی مانند شهرداریها و فرمانداریها و مؤسسات تابع وزارتخانه‌ها که تصدی اعمال حاکمیت می‌باشند. بعبارت دیگر چنانچه مؤسسه‌ای که وابسته به دولت است. در راستای انجام وظایفی که در چارچوب مفهوم اعمال حاکمیت نیست، مرتکب عملی شود که مطابق قانون مستوجب مجازات است، از نظر جزایی مسؤول شناخته خواهد شد. بعنوان مثال انجام وظیفه حمل و نقل شهروندان یا کارمندان و یا بسیاری دیگر از خدمات دولتی را می‌توان ضمن قراردادهای خاص به بخش خصوصی واگذار نمود، زیرا این امور از جمله امور دولتی غیرقابل تفویض محسوب نمی‌شوند. در

این محدوده چنانچه مؤسسات دولتی این قبیل وظایف قابل تفویض را به اشخاص حقوقی حقوقی خصوصی واگذار نمایند و در نتیجه اعمال و اجرای آنها مرتکب جرمی شوند، از نظر جزایی مسؤول شناخته می شوند. البته در این بخش نیز نقش رویه قضایی در تعریف اعمال ناشی از «اعمال امر حاکمیت» و اعمال قابل تفویض بسیار مؤثر و تعیین کننده خواهد بود.

نکته بعد اینکه قانون شرکت شخص حقوقی و شخص حقیقی را در ارتکاب جرم پذیرفته است و اظهار داشته که مسؤولیت یکی موجب نفی مسؤولیت جزایی دیگری نخواهد شد. فایده عملی این حکم در مواردی است که ثابت شود یک یا چند نفر از مسؤولین شخصیت حقوقی، بنحو شخصی در تهیه مقدمات و تصمیمی که منجر به اعمال خلاف قانون شده است تأثیر بسزا و فوق العاده ای داشته اند. با این وصف می توان تصور کرد که شخص حقوقی بعنوان مباشر در یک جرم و مدیر عامل آن بعنوان معاون در همان جرم محکوم گردند. یعنی مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی قابل جمع است.

### مبحث چهارم

#### علل رافع مسؤولیت

قانونگذار جدید تمام عواملی را که قبلاً به دو گروه علل «رافع مسؤولیت»<sup>۳</sup> و «معاذیر معاف کننده»<sup>۳</sup> تقسیم شده بود از قبیل: جنون، صغر سن، دفاع مشروع، امر آمر قانونی، اضطرار و... در ذیل عنوان واحد فوق جمع آوری کرده و نام برده است. البته لازم به ذکر است که در پیش نویس اولیه، اصطلاح «قابل مجازات نیست» استعمال شده بود، اما پس از مذاکرات مجلس و اصلاحات انجام شده در پیش نویس مزبور، به عبارت «از نظر جزایی مسؤول نیست» تغییر یافت و بدین ترتیب سبب شد تا به بسیاری از بحثهای کلاسیک از قبیل مشروعیت انگیزه یا علم به عمل و...، خاتمه داده شود. این بحث بنحو اختصار با توجه به تغییرات

32. les faits justificatifs

33. excuses absolutoires

حاصله در ۳ موضوع ذیل مورد اشاره واقع می‌شود:

الف) جنون؛

ب) دفاع مشروع؛

ج) اشتباه در قانون.

الف) جنون: قانون سابق در ماده ۶۴ از اصطلاح «جنون»، بعنوان عامل رافع مسئولیت یاد کرده بود و مقرر می‌داشت: «جنایت و جنحه، هنگامی که مباشر آنها در حالت جنون<sup>۳۳</sup> بوده است، محقق نمی‌شود» و در ادامه این ماده حکم اجبار را چنین بیان می‌داشت: «...، یا زمانی که مرتکب متأثر از قدرتی بوده است که نمی‌توانسته در مقابل آن مقاومت کند» (از قبیل تحریک یا تهدید).

اما با توجه به مشکلاتی که این اصطلاح عام در عمل بوجود آورده بود و اینکه هیچ‌گاه نمی‌توان تعریف دقیق و واحدی از جنون ارائه داد که مصادیق متعدد را در برداشته باشد، قانونگذار جدید بنحوی این حکم را تجدید نگارش نموده است که از یکسو، با داده‌های جدید علمی و از سوی دیگر، با مصادیق واقع شده در عمل انطباق بیشتری داشته باشد، و در ماده ۱۲۲-۱ اظهار می‌دارد: «شخصی که در زمان ارتکاب جرم از یک اختلال روانی یا عصبی که منجر به از دست دادن قوه تمیز یا کنترل اعمال وی شده، آسیب دیده است، از نظر جزایی مسؤول نیست.» چنانکه مشاهد می‌شود قانونگذار جدید وضعیتی کلی و تا حدی مبهم را معیار رفع مسئولیت جزایی قرار داده و اصطلاح «اختلال روانی یا عصبی»<sup>۳۴</sup> را جایگزین «جنون» نموده است. چیزی که بطور قطع دایره اجرایی این حکم را افزایش می‌دهد و در هر حال نیاز به اظهار نظر کارشناس متخصص را اجتناب ناپذیر می‌سازد. بنابراین آثار و تدلیج ماده جدید قانونی را می‌توان بنحو اختصار چنین برشمرد:

۱. به کارگیری اصطلاحات جدید علمی و روانپزشکی در

34. En Etat de demence

35. Un Trouble psychique ou neurologique

## قانونگذاری؛

۲. ضرورت اظهار نظر کارشناس متخصص درباره موضوع مطروح؛

۳. تصریح به عدم مسؤولیت کیفری مرتکب عمل در وضعیت اختلال

## روانی؛

۴. تفکیک حکم «اجبار» از حکم اختلال روانی یا عصبی.

ب) دفاع مشروع: ماده ۳۲۸ قانون سابق، حکم دفاع مشروع را که محدود به شخص یا دفاع از شخص دیگر بود، بیان می‌داشت. این ماده هیچ اشاره‌ای به مشروعیت دفاع از مال نداشت، همچنانکه به هیچیک از شرایط دفاع و حمله نیز اشاره‌ای نکرده بود. اما بتدریج آرای وحدت رویه این نقص آشکار را جبران نمودند. سرانجام قانونگذار جدید سعی نمود رویه قضایی شکل گرفته در آرای وحدت رویه را در قالب قانون جدید (ضمن برسمیت شناختن دفاع مشروع از مال) ارائه دهد. ماده ۱۲۲.۵ بیان می‌دارد: «شخصی که در مقابل یک عمل غیرعادلانه نسبت به او یا شخص دیگر، مرتکب عملی شود که در همان زمان بعنوان دفاع مشروع از خود یا شخص دیگر ضرورت داشته است از نظر جزایی مسؤول نیست، مگر اینکه بین وسایل دفاعی به کار برده شده و شدت حمله تناسب لازم وجود نداشته باشد. نیز ضرورت داشته باشد».

در بخش دوم ماده در خصوص دفاع از اموال بیان می‌دارد: «شخصی که برای ممانعت از وقوع یک جنحه یا جنایت علیه اموال، مرتکب عملی مجرمانه بجز قتل عمدی شود، از نظر جزایی مسؤول نیست. به شرط اینکه تدابیر دفاعی با میزان شدت عمل مجرمانه تناسب و ضرورت داشته باشد.»

همچنانکه مشاهده می‌شود، قانونگذار در هر دو بخش - دفاع از شخص و دفاع از مال - تناسب بین دفاع و حمله را بعنوان یک شرط لازم تصریح و اضافه نموده است ولی، در مشروعیت دفاع از مال قانونگذار محتاط تر بوده و ضمن عدم تجویز قتل عمد بعنوان عملی دفاعی، در عین حال به شرط تناسب و لزوم و ضرورت آن نیز اشاره کرده است. لذا به نظر می‌رسد در این خصوص شرایط محدودتری مدنظر قانونگذار بوده است.

لازم به ذکر است که پذیرش اصل دفاع مشروع نسبت به مال، در چارچوب حمایت روزافزون و احترام هرچه بیشتر به مالکیت خصوصی است.

ج) اشتباه در قانون: جهت و اشتباه نسبت به قانون همیشه یکی از موضوعات مورد بحث در زیر مجموعه مسئولیت جزایی بوده است و با حاکمیت قاعده مشهور «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست»، قانونگذاران جهل و اشتباه حکمی را به ندرت پذیرفته اند.

قانونگذار جدید فرانسه در ماده ۱۲۲-۳ به تبعیت از رویه قضایی بر قاعده کلی «فرض این است که عموم نسبت به قانون علم و آگاهی دارند» دو استثنا وارد نموده است که در نتیجه حصول این دو شرط، مسئولیت جزایی ساقط خواهد شد:

۱. مباشر ثابت کند که عمل او بر اساس اطلاعات غیر صحیح تهیه شده بوسیله یک سازمان اداری بوده است؛
۲. مباشر ثابت کند اعتقاد داشته است که قانون منتشر نشده و یا شرایط اجرا محقق نشده است.

### گفتار سوم

#### مجازات از دیدگاه قانون جدید ۱۹۹۴

مقنن جدید فرانسوی در مورد مجازات از واژه "Peine" استفاده نموده و این واژه در واقع بمعنی اعم، از مجازات بمعنی اخص و اقدامات تأمینی تشکیل می گردد. حقوق جزای فرانسه از نظام واحد یعنی «مجازات» به تنهایی، تبعیت و پیروی می کند و از ذکر اصطلاح «اقدامات تأمینی» خودداری می کند. لازم به ذکر است که قانونگذار جدید با استعمال واژه «Peine» (مجازات) از بکارگیری کلمه ضمانت اجرا اجتناب ورزیده است، زیرا ضمانت اجرا می تواند به انواع مختلف تقسیم شود، از قبیل:

\* . La sanction

ضمانت اجرا

ضمانت اجرای کیفری،<sup>\*\*</sup> ضمانت اجرای مدنی،<sup>\*\*\*</sup> ضمانت اجرای اداری<sup>\*\*\*\*</sup> و... بنابراین مقتن از کلمه مجازات استفاده نموده است. بحث در مورد مجازات در قانون ۱۹۹۴ را از دو جنبه ذیل ادامه می دهیم:

### مبحث اول

#### از نظر روش و شکل

عنوان سوم از کتاب اول قانون جزای جدید فرانسه به مجازاتها اختصاص دارد که نسبت به کتاب اول قانون ۱۸۱۰ که به مجازاتها در امور جنایی، تأدیبی (جنحه ای) و آثار آنها اختصاص داشت قابل توجه و ملاحظه است. علاوه بر این، قسمتی از کتاب پنجم قانون آیین دادرسی کیفری که به موضوع آئین و روشهای اجرای مجازاتها اختصاص داشت به قانون ۱۹۹۴ منتقل شده است.

### مبحث دوم

#### اهداف و نقشهای مجازات

با ملاحظه و مذاقه در مواد مربوط به مجازاتها چنین استنباط می گردد که پایه و مبنای مجازاتها تغییری نکرده است. اگرچه قانون ۱۹۹۴ نقش و هدف مجازاتها اختصاص نداده است، ولی از دیدگاه مقتن جدید این اهداف و نقش ها بسیار واضح و روشن هستند. بطور مسلم جنبش دفاع

\*\* . La sanction pénale

ضمانت اجرای کیفری

\*\*\* . La sanction civile

ضمانت اجرای مدنی

\*\*\*\* . La sanction administrative

ضمانت اجرای اداری



اجتماعی<sup>۳۶</sup> که اهتمام در اصلاح و بازپروری شخصیت مجرم و ایجاد زمینه مناسب برای بازگشت وی به جامعه دارد، از سایر دکترینها و مکاتب فلسفی گوی سبقت را ربوده و تأثیر فراوانی در قانون جدید گذاشته است. البته نقش سزادهی و پاداش نیز مورد توجه قرار گرفته و نقش اخیر قربانی نقش اصلاح مجرم نگردیده است.

شورای قانون اساسی فرانسه در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۹۴ در خصوص نقش مجازات چنین اظهار نظر کرده است:

«اعمال مجازات سالب آزادی، خواه تحت عنوان مجازات تأدیبی (جنگه ای) یا مجازات جنایی (در جرایم جنایی) فقط به خاطر حمایت از حقوق جامعه و برقراری امنیت و نظم عمومی در جامعه نبوده بلکه، باید این مجازات به منظور ایجاد محیط مساعد برای اصلاح محکوم، و در عین حال زمینه فراهم داشتن بازپروری و اصلاح مجدد و بازگشت مرتکب به جامعه اعمال شود.» در نتیجه دو نقش عمده و اساسی برای اعمال مجازاتها متصور است که مقتن به آن توجه داشته و قاضی هم باید در زمان اعلام و اصداد حکم مورد عنایت قرار دهد:

- نقش سزادهی (پاداشی)؛

- نقش اصلاحی و تربیتی.

در مورد مجازاتها مطلب را ذیل دو عنوان تنوع در مجازاتها و شخصی کردن مجازاتها ادامه می دهیم.

### الف. تنوع در مجازاتها

این موضوع را از سه جنبه به بحث می گذاریم:

۳۶. دفاع اجتماعی. اثر مارک آنسل، ترجمه آقایان دکتر محمد آشوری، دکتر نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۷۵. برای اطلاع بیشتر از نظریات و تئوریهای دفاع اجتماعی رجوع شود همچنین به مقاله دکتر حسینی نژاد (حسینی)، دفاع اجتماعی با نظری کوتاه درباره حقوق کیفری (ترجمه و تلخیص). - مجله تحقیقات و حقوقی دانشکده حقوق، شماره ۹، سال ۷۰، صفحات ۱۲۱ به بعد.

\* . Rétribution

## ۱. ماهیت مجازاتها

همانطوری که می‌دانیم، مجازاتها از جهتی به مجازات اصلی، مجازات تکمیلی، مجازات تبعی و مجازاتهای جانشینی (جایگزینی) تقسیم می‌شوند. لیکن باید دید مقنن جدید فرانسوی در قانون ۱۹۹۴ به کدامیک از این اقسام مجازاتها از نظر ماهوی تأکید داشته و اصرار ورزیده است و چرا؟ با مطالعه انواع مجازاتها چنین بنظر می‌رسد که اندیشه اعمال مجازاتهای جانشینی بجای مجازات زندان، در قانون ۱۹۹۴، یک اندیشه بسیار غالب و حاکم است. دلیل تأکید و اصرار مقنن برای اعمال مجازاتهای مزبور این دلیل است که طبق آمار منتشره از سوی وزارت دادگستری، تعداد زندانیان در ۱۹۷۰ میلادی ۲۵۰۰۰ نفر بوده، در حالیکه در اول ژانویه ۱۹۹۴ این رقم به ۵۲۰۰۰ نفر رسیده است. بنابراین مقنن بمنظور جلوگیری از تورم جمعیت کیفری و لزوم صرفه جویی در هزینه سرسام‌آور نگهداری مؤسسات زندان و همچنین باتوجه به بی‌تأثیر بودن مجازاتهای کوتاه مدت در اصلاح مجرم و تأثیر معکوس این زندانها در شخصیت محکومین، تعداد مجازاتهای جانشینی در قانون ۱۹۹۴ را افزایش داده است.

مجازاتهای جانشینی عبارتند از: جریمه، مجازات زندان قابل خرید و تبدیل به جریمه، خدمات عمومی و عام‌المنفعه و مجازاتهای سالب یا محدود کننده حقوق؛ البته این عناوین در قانون سابق هم وجود داشته ولی مقنن جدید قلمرو اعمال آنها را تعمیم داده و ضمناً عناوین جدیدی همچون ممنوعیت استفاده از کارتهای اعتباری برای انجام معاملات را نیز به جمع مجازاتهای جانشینی اضافه نموده است. (ماده ۱۳۱.۶)

در مورد مجازاتهای تکمیلی، اگرچه مقنن سابق هم این نوع مجازاتها را بطور گسترده و وسیع پذیرفته بود ولی مقنن جدید مصادیق و موارد مجازاتهای تکمیلی را افزایش داده است. ماده ۱۳۱.۱۰ ناظر به مجازاتهای تکمیلی است. بطور کلی باید گفت که هرچند مقنن سابق مجازات تکمیلی و جانشینی را پذیرفته بود لیکن مقنن جدید مصادیق

اعمال این مجازاتها را توسعه داده تا قاضی در صورت صلاحدید بتواند بمنظور خودداری از صدور حکم زندان، از این مجازاتها بخصوص مجازات جانشینی استفاده کند.

بمعنای مثال: در قانون سابق نسبت به جرایم از درجه جنحه که مجازات آنها تا ۵ سال حبس تأدیبی تعیین گردیده بود، قاضی مجاز به استفاده از مجازاتهای جانشینی بود. امروزه مقنن سقف مجازاتها را در جرائم جنحه ای افزایش داده است، بطوریکه قاضی می تواند بجای حبس جنحه ای تا ده سال، از مجازات جانشینی استفاده و حکم صادر نماید. مقنن جدید سعی کرده است شرایط دست و پاگیری را که در قانون سابق مانع اعمال مجازات جانشینی می گردید، حذف کند تا قاضی بهتر بتواند مجازاتهای جانشینی را اعمال کند. اما، حذف کند آیا مجازاتهای جانشینی (جایگزینی) مورد استقبال قضات قرار خواهد گرفت یا نه؟ به تعبیر دیگر آیا سیاست جنایی قضایی در این خصوص هماهنگ با سیاست جنایی تقنینی خواهد بود؟ پاسخ این پرسش را آرای محاکم قضایی در سالهای آینده خواهند داد.

در مورد خدمات عمومی که در سابق اعمال آن با جمع دو شرط عدم محکومیت قبلی محدودیت مجازات به کمتر از ۴ ماه حبس صورت می گرفت، مقنن جدید این دو شرط را حذف نموده است. بنابراین موارد صدور حکم به انجام خدمات و کارهای عمومی در مقایسه با قانون سابق افزایش یافته است.

در مورد مجازاتهای تبعی<sup>۳۷</sup> اصل بر عدم اجرای مجازات تبعی است، مگر اینکه از سوی قاضی اعمال این مجازات تصریح شده باشد. یعنی مجازات یا مجازاتهایی نسبت به مجرم اعمال می شود که دادگاه در حکم

۳۷. مجازات تبعی عبارت از مجازاتی است که به تبع محکومیت و بدون ذکر در حکم نسبت به بعضی از جرائم ارتكابی اعمال می گردد. بمعنای مثال یکی از آثار محکومیت کیفری طبق قانون سابق، محرومیت از عضویت در هیأت منصفه بود. ولی اکنون محکوم سابق می تواند بعنوان عضو هیأت منصفه تعیین گردد، مگر این که محکمه قضایی تصمیم گرفته باشد که مجازات محرومیت از یک شغل (معنای اجرا گردد. ماده (۱۳۱-۲۶)

محکومیت صراحتاً آنها را پیش بینی کرده باشد. مجازات تبعی در قانون جدید حذف شده است.

## ۲. کمیّت مجازاتها\*

از نظر کمیّت تنها موردی که افزایش یافته است، سقف مجازاتهاست. به عبارت دیگر امروزه طبق قانون جدید، حداکثر مجازاتهای سابق در غالب موارد افزایش یافته اند، لیکن همزمان، حداقل آنها نیز حذف شده است. بعنوان مثال: در قانون سابق مجازات سرقت ساده عبارت بود از ۳ ماه تا ۳ سال حبس و از ۱۰۰۰ فرانک تا ۲۰,۰۰۰ فرانک جریمه یا یکی از این دو مجازات ( ماده ۳۸۱ قانون ۱۸۱۰). قانون جدید مجازات سرقت ساده را تا سه سال حبس و تا ۳۰۰,۰۰۰ فرانک جریمه بیان داشته است. بدین ترتیب حداقل مجازات چه در مورد کیفر زندان و چه در مورد کیفر نقدی حذف شده است. سؤالی که قابل طرح است اینکه، مجازات را تا چه میزان می توان پایین آورد؟

در بعضی از جرائم حداقل مجازات بنجوی مشخص و معین شده است. بعنوان مثال در جرائم از نوع جنایت، اگر مجازات اصلی حبس جنایی موقت باشد، حداقل یکسال حبس در نظر گرفته شده است. زیرا حبس کمتر از یکسال جرم را از درجه جنایت خارج می کند. و یادر جایی که مجازات اصلی جرم «جنایی» حبس جنایی دائم تعیین شده، حداقل آن تا ۲۰ سال حبس می باشد. اما در مورد سایر جرایم مشکل همچنان باقی است. مقنن جدید اصل را بر اعتماد و اطمینان به قضات محاکم قرار داده است و در قلمرو تعیین اندازه و میزان مجازاتها، اختیارات کامل به آنان اعطا نموده است. بدین معنی که برای قاضی هیچ ممنوعیتی از حیث اعمال کمترین میزان مجازات، مانند یک روز زندان و یا یک فرانک جریمه وجود ندارد. در نتیجه کیفیات مخفّفه از بین رفته است، زیرا در حقیقت

\* Le quantum. des peines. : کلمه لاتین "Quantum" به معنی مقدار، کمیّت است. (طالقانی احمدعلی) فرهنگ اصطلاحات حقوقی لاتین - فارسی، انتشارات مؤسسه نشر یلدا، چاپ اول ۱۳۷۳ ص ۱۴۱.

هیچ نقشی را ایفا نمی‌کند. اعطاء این اختیار وسیع به قضات ممکن است به اصل تساوی اشخاص در مقابل عدالت خدشه وارد کند و اجرای این اصل را با مشکلاتی مواجه سازد. اما باید گفت که اعتماد به قضات با تجربه می‌تواند تا حدودی این نگرانی را کاهش دهد.

### ۳. اجرای مجازاتها

مطابق قانون جزای جدید ۱۹۹۴ قاضی صادر کننده حکم می‌تواند نحوه اجرای مجازات را نیز در حکم صادر شده تعیین و مشخص کند. در مورد روشهای اجرایی مجازات از قبیل نظام نیمه آزادی<sup>۲۸</sup> و تعلیق و...، در مقایسه با قانون سابق باید گفت: قانون سابق نظام نیمه آزادی را نسبت به مجازاتهای تا ۶ ماه زندان قابل اعمال می‌دانست. ولی در قانون جدید سقف مجازات افزایش یافته و اعمال نظام نیمه آزادی نسبت به مجازاتهای تا یکسال حبس پیش بینی شده است.

در مورد تعلیق ساده: شاید بتوان گفت که اعمال تعلیق ساده مطابق با قانون جدید قدری مشکلتر شده است. در واقع، شرایط تعلیق ساده در قانون جدید بگونه‌ای نوعی است که مقنن به مفهوم سنتی و کلاسیک تعلیق توجه و عنایت داشته است. بعنوان مثال، یکی از شرایط صدور تعلیق، فقدان محکومیت سالب آزادی در ۵ سال گذشته است. این شرط، افزایش صدور احکام زندانهای کوتاه مدت را در پی خواهد داشت و متقابلاً نتیجه ثانوی آن توسعه تعلیق مراقبتی خواهد بود.

### ب. شخصی کردن مجازات

اعطای اختیار مطلق در تعیین نحوه و چگونگی اجرای محکومیت از خطراتی است که می‌توان در قانون جدید ملاحظه نمود. در واقع «قاضی اجرای مجازات» که از قضات نشست نظام قضایی فرانسه است، مسؤول

۲۸. نیمه آزادی به معنی است که محکوم در روز به فعالیت و شغل عادی و اشتغالات روزمره می‌پردازد و شبها، را در زندان به سر می‌برد.

اجرای مجازات و تطبیق آن با شخصیت محکوم است. به نظر می‌رسد اختیار وسیع در بعضی از موارد در این مرحله، از جمله خطرات جدی است که سلامت و بی‌طرفی نظام قضایی را تهدید می‌کند. عبارت دیگر همیشه این خطر وجود دارد که قضات واجد این اختیار در مواردی ملاطفت و رأفت و در موارد مشابه دیگر شدت و سخت‌گیری اختیار کنند. البته این نکته را نباید فراموش کرد که مکاتب حاکم بر فلسفه اجرای مجازاتها بیشتر تأکید به اعمال رأفت و ملاطفت دارند، و ارجاع به سخت‌گیری و خشونت نسبت به محکوم جز در موارد خاص مورد استثناء توصیه نشده است.

قبل از اجرای قانون جزای جدید ۱۹۹۴، در فوریه ۱۹۹۴ قانونی به تصویب رسید که این قانون مجازات جدیدی تحت عنوان «مجازات حبس دائم و غیرقابل انعطاف (واقعی)» پیش‌بینی نمود. نقش و هدف اصلی این مجازات سرکوبی و سخت‌گیری است که قاضی اجرای مجازات موظف و مکلف به رعایت همین جنبه می‌باشد. توضیح اینکه هرگاه شخصی مرتکب قتل صغیر کمتر از ۱۵ سال همراه با تجاوز به عنف و شکنجه و خشونت گردد، به مجازات جدید محکوم می‌شود. در این حالت، محکوم قبل از تحمل ۳۰ سال تمام حبس از هیچگونه نهاد کیفری ارفاقی از جمله نهاد آزادی مشروط نمی‌تواند بهره‌مند شود. پس از اتمام مدت فوق در صورت تقاضا و یا ملاحظه شخص قاضی اجرای مجازات، هیأت سه نفری از متخصصین پزشکی تشکیل شده تا در خصوص حالت خطرناک محکوم اظهار نظر نمایند. سپس هیأتی مرکب از ۵ قاضی دادگاه جنایی تصمیم خواهند گرفت که آیا صدور حکم آزادی مشروط ممکن است یا نه؟ که در صورت پاسخ مثبت، محکوم می‌تواند از آزادی مشروط بهره‌مند گردد (ماده ۷۲۰-۴ آیین دادرسی کیفری فرانسه). بنابراین سیاست جنایی تقنینی فرانسه در خصوص مجازات «حبس دائم واقعی» در جرم قتل صغیر کمتر از ۱۵ سال توأم با تجاوز به عنف، بر اعمال صد در صد مجازات، بدون ارفاق و گذشت تأکید و اصرار دارد.

### ج. انواع مجازاتها

در این قسمت اقسام و فهرست مجازاتها در مقایسه با قانون سابق مطرح می‌گردد.

#### ۱. مجازاتهای جنایی\*

ماده ۶ قانون ۱۸۱۰ پیش بینی کرده بود که مجازاتهای جنایی «ترذیلی و ترهیبی» می‌باشند. این صفات از مجازاتهای جنایی در قانون ۱۹۹۴ حذف گردیده است. مضافاً به اینکه در قانون سابق حبس جنایی ابد و حبس جنایی موقت بین ۵ سال تا ۲۰ سال تعیین شده بود. ولی در قانون جدید، مجازات ۳۰ سال یا بیشتر بعنوان حبس جنایی در نظر گرفته شده است. می‌توان گفت تعیین مجازات ۳۰ سال باعث برقراری نوعی سلسله مراتب و طبقه بندی در میان مجازاتها گردیده است. چون در فرانسه پس از لغو مجازات اعدام در سال ۱۹۸۱ هیچ نوع سلسله مراتبی بین مجازاتها عملاً وجود نداشت، مقنن جدید در واقع خواسته است که یک نظم قانونی و منطقی ایجاد کند. (مواد ۱۳۱-۱ به بعد).

#### ۲. مجازاتهای جنحه‌ای

ماده ۹ قانون ۱۸۱۰ مجازاتهای اصلی جرائم از درجه جنحه‌ای را به شرح ذیل پیش بینی نموده بود: ۱- زندان؛ ۲- محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی؛ ۳- جریمه؛  
مجازاتهای دیگر از قبیل انجام خدمات عمومی، تعلیق پروانه رانندگی، ضبط و توقیف وسایل جرم در سایر مواد قانونی پیش بینی شده بودند. اما این مجازاتها بعنوان مجازات اصلی نبودند، بلکه مجازات جانشینی یا تبدیلی فرض شده بودند.  
ماده ۱۳۱-۳ قانون جزای جدید ۱۹۹۴ در مورد مجازاتهای اصلی جرائم جنحه‌ای چنین مقرر می‌دارد:

\*. Des Peines Criminelles

۱. زندان، ۲- جریمه، ۳- زندان قابل تقویم به جریمه، ۴- خدمات عمومی؛ ۵- مجازاتهای سالب یا محدود کننده حقوق (بعنوان مثال: تعلیق پروانه رانندگی، تعلیق پروانه شکار، ضبط وسایل جرم یا وسائط نقلیه یا اسلحه که در ماده ۱۳۱-۶ بطور مشروح ذکر گردیده است. ۶- مجازاتهای تکمیلی (از جمله بستن مؤسسه یا اعلان عمومی تصمیم دادگاه و... که در ماده ۱۳۱-۱۰ آمده است). لازم به یادآوری است که بین مجازاتهای فوق هیچگونه تقدم و تأخر وجود ندارد و قاضی می تواند هر مجازاتی را که مناسب تر تشخیص دهد، تعیین کرده و به آن حکم دهد. خدمات عمومی بدون میل و توافق محکوم یا بطور غیابی تعیین نمی شود.

مقنن جدید سعی نموده است که موارد و مصادیق مجازاتهای اصلی ناظر بر جرائم جنحه ای را افزایش دهد تا بدین طریق آمار محکومین به زندانهای کوتاه مدت کاهش یابد.

### ۳. مجازاتهای خلاقی:

قانون سابق برای جرم خلاقی درجه ۴، از یک تا ۵ روز مجازات زندان و برای خلاف درجه ۵ از یک روز تا یک ماه مجازات زندان پیش بینی کرده بود. قانون جدید بطور کلی مجازات زندان را برای جرائم از نوع خلاف حذف نموده است.

در قانون سابق مجازات جریمه برای خلاف از درجه ۱ تا ۵ از ۲۵۰ تا ۶۰۰۰ فرانک پیش بینی شده بود. قانون جدید جریمه را از ۲۵۰ فرانک تا ۱۰,۰۰۰ فرانک پیش بینی نموده است. در خصوص اعمال یا عدم اعمال مجازاتهای جانشینی در جرائم از نوع خلاف در قانون سابق، اعمال آن غیرممکن بود. ولی طبق قانون جدید، در جرایم خلاقی از درجه ۵ می توان به جای جریمه از مجازاتهای جانشینی استفاده نمود.

مجازاتهای جانشینی در این مرحله عبارت است از تعلیق پروانه رانندگی، تعلیق پروانه شکار، ضبط و توقیف وسایل جرم و غیره. در خصوص مجازاتهای تکمیلی در قانون قدیم، در موارد مشخص و محدود



اعمال این نوع مجازاتها ممکن بود ولی در حال حاضر مصادیق و موارد مجازاتهای تکمیلی توسعه و افزایش یافته و اعمال آن ممکن گردیده است (ماده ۱۶-۱۳۱). مطابق قانون جدید می توان در خلاف از درجه ۵ مثلاً خلاف عمومی بعنوان مجازات تکمیلی اعمال کرد (ماده ۱۷-۱۳۱ از ۲۰ ساعت تا ۱۲۰ ساعت).

صاحبنظران در حقوق جزای فرانسه متفق القولند که قانون جدید از نظر مجازات و اقسام و انواع آنها نسبت به مجازات قانون سابق بخصوص مورد مجازات در جرایم تروریستی، قاچاق مواد مخدر، تجاوز به عنف، شکنجه و اعمال غیرانسانی و امثال اینها بسیار سنگین تر و شدیدتر است. سیاست جنایی تقنینی در این قسمت بیشتر در مقام حمایت مطلوبتر از اعضای جامعه و امنیت عمومی است، و در نتیجه هدف و نقش مجازات، بیشتر سرکوبی اعمال خشونت آمیز و حذف و طرد مباشرین این قبیل جرایم است.

اما در جرایم «کم اهمیت»، سیاست جنایی بر این محور تدوین شده است که نقش مجازات باید پیشگیری و بازدارندگی باشد و از مجموع عملکرد نظام قضایی در سالهای اخیر و بخصوص آمار کار دادگاهها چنین استنباط می شود که از مجازاتهای غیر سالب آزادی، از جمله جریمه، زندان قابل تقویم به جریمه و انجام خدمات عمومی باید بیشتر استفاده گردد.

### نتیجه

تدوین و تصویب قانون جدید از نظر بسیاری از حقوقدانان فرانسوی یک ضرورت اجتناب ناپذیر بوده است. زیرا از یک سو، قانون سابق بر مبنای نظریه ها و اصول و ارزش های دو قرن قبل (۱۸۱۰) بنا شده بود و از سوی دیگر، جامعه فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم و بویژه در سالهای اخیر تحولات سریع و دگرگون کننده ای، در زمینه اخلاقی، مادی و تکنولوژیک به خود دیده است. به همین جهت، قانون سابق که مطابقت لازم را با ارزشهای نوین حاکم بر جامعه نداشت پاسخگوی نیازهای فعلی

نبود و از آنجا که نظام حقوقی فرانسه مبتنی بر تفکر غیرمذهبی است، ارزش‌ها و مبانی حقوق از نظریه‌های متفکرین و نظریه پردازان نشأت می‌گیرد، بنابراین یکبار دیگر نظریه تدوین قانون جزای<sup>۳۳</sup> جدید برای ایجاد تحول اساسی در قوانین و مقررات جزایی موجود مطرح و به مرحله اجرا و عمل رسید.

انگیزه و هدف این بود که قانون جدید جزای فرانسه باتوجه به قوانین سابق، دارای انسجام و هماهنگی لازم از نظر شکل، و دربرگیرنده اصول و اهداف جدید قانون جزا (که در بخش اول به آنها اشاره شد) از جمله استفاده از مفاهیم حقوق بشر در متن مواد قانون و انسانی کردن هرچه بیشتر نهادهای مختلف کیفری و مطابقت هرچه بیشتر قانون با قواعد و مقررات بین‌المللی بمعنی اعم و با موازین حقوق جامعه اروپا، بطور اخص باشد.

بدیهی است قانون جدید نیز نوآوری‌هایی در قالب شکل و محتوا دارا می‌باشد. مثلاً اعمال بسیاری در قانون جدید جرم شناخته شد، بعضی از جرایم سابق از محدوده قانون جزا خارج گردید، میزان مجازات‌ها تغییر نمود، بعضی از عناوین مجرمانه تفسیر یافت و در بعضی موارد از اصطلاحات و مفاهیم جدید استفاده شد. بدین ترتیب تلاشی ۲۰ ساله به ثمر نشست.

اما سؤال اساسی که برای بسیاری از حقوقدانان فرانسوی مطرح می‌شود، این است که آیا قانون جزای ۱۹۹۴ در واقع، مستحق عنوان «جدید» هست یا نه؟ آیا پاسخگوی واقعی نیازهای فعلی و حداقل یک دهه آینده خواهد بود؟

بسیاری از حقوقدانان فرانسه از جمله کسانی که در تهیه و تدوین این قانون مشارکت داشته‌اند،<sup>۳۴</sup> در پاسخ مثبت به این سؤال اظهار تردید نموده‌اند و این قانون را در حقیقت ادامه قانون سابق ۱۸۱۰ با تغییرات و

### 39. Codification

40. Delmas - Marty (Mireille), Poncela (Pierrette), *Revue de Science Criminelle*, no 3,1993.

اصلاحات جزئی قلمداد کرده اند. بهر حال در اکثر نوآوریهای قانون جدید باید چگونگی حل معضلات و مشکلات حقوقی به هنگام اجرای قانون و نهایتاً رویه قضایی دادگاهها را ملاحظه نمود. بعنوان مثال در خصوص پیش بینی مسؤلیت جزایی اشخاص حقوقی که اگرچه در فرانسه نسبت به سایر کشورها با تأخیر انجام گرفت، ولی در هر حال یکی از نوآوریها و امتیازات قانون جدید محسوب می گردد.

بسیاری از حقوقدانان و همچنین صاحبان مؤسسات صنعتی و تولیدی شرکتهای اقتصادی و تجاری معتقد هستند که اجرای این ماده قانونی مشکلات مضاعفی را به همراه خواهد داشت و رونق تجاری و اقتصادی را که زیربنا و پایه جامعه فرانسوی است متزلزل و مواجه با خطر خواهد ساخت. البته این بحث با همین شدت در مجلسین نیز مطرح بوده و هردو مجلس تحت عنوان دفاع از آزادی دلایل خود را عرضه می نمودند. مجلس سنا مخالف با تصویب این ماده قانونی جز در موارد بسیار استثنایی بود و اعتقاد داشت که مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی به معنای پاشیدن «بذر دیکتاتوری است»<sup>۳</sup> و یا اینکه «این نهاد حقوقی، دموکراسی را در معرض خطر نابودی قرار می دهد».<sup>۴</sup> اما، نهایتاً نظر مجلس شورای ملی که اکثریت نمایندگان آن را سوسیالیستها تشکیل می دادند بر مبنای دفاع از آزادی و مقابله با مهمترین خطراتی که سلامت جامعه را تهدید می کند، تفوق یافت و ماده قانونی تصویب شد.

با یک دید کلی بر روش های به کار گرفته شده در مراحل تدوین و اندیشه های حاکم و ثمره نهایی این تلاش و همچنین با نگاهی بر بعضی از انتقادات وارده بر آن می توان قائل شد که کمبودها و تردیدهایی در خصوص قانون جدید وجود دارد که اینک به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. جامع نبودن قانون جزای جدید بعضی معتقدند، اولین و شاید مهمترین ایراد اینکه قانون جزای جدید از فلسفه اولیه «قانون نویسی» و

41. C'est le germe du totalitarisme

42. Cela va tuer la démocratie

تدوین قوانین و مقررات به دور مانده است. زیرا هدف اساسی نهضت «قانون نویسی» جمع آوری و ارائه قانون و مقرراتی بود که دارای آثاری جزایی بودند. ولی شاید بتوان گفت که امروزه قانون نویسی از آن خاستگاه اولیه خارج شده و بازگشت به آن یا میسر نیست یا بسیار مشکل خواهد بود. به همین دلیل می توان مدعی شد که قانون نویسی های اخیر بیشتر جنبه تخصصی و گرایش به رشته خاصی از حقوق دارد تا وحدت جمیع رشته های تشکیل دهنده حقوق جزا، یعنی ظهور حقوق جزای فنی یا تخصصی (مانند از حقوق جزای محیط زیست، حقوق جزای کشاورزی و...) . همچنانکه کمیته تجدیدنظر قانون ۱۸۱۰ نیز در ابتدا این هدف را مورد نظر قرار داد که قانون جدید دربرگیرنده کلیه مقررات کیفری کشور در تمام رشته ها و تخصص ها (از قبیل مالیاتی، تجاری، دریایی، هوایی، محیط زیست و...) باشد. اما در عمل به آن دسته از مقررات و اصول عمومی حقوق جزا محدود گردید که در سایر مجموعه های قوانین کیفری اشاره نشده بود.

بنابراین، عده ای اعتقاد دارند که قانون جزای جدید، برخلاف قانون ۱۸۱۰، جامع و دربرگیرنده کلیه مقررات جزایی نیست.

## ۲. شیوه تهیه و تدوین

در فرانسه برخلاف بسیاری از کشورها، پایه و اساس قانون جدید در قوه مجریه و دستگاههای اجرایی پایه ریزی شد و در مراحل نهایی در مجلس سنا و شورای ملی مورد بحث و اصلاح واقع شده و بالاخره عنوان قانون به خود گرفت. به عبارت دیگر نقش متخصصین و صاحب نظران قوه مجریه در تهیه و تدوین قانون بسیار قویتر از نقش صاحب نظران و نمایندگان مجلسین بود. به همین جهت قانون جدید بیشتر به سمت جامعه شناسی که از وقایع و تجربیات روزمره نشأت می گیرد، تمایل دارد تا به سمت اصول و مبانی فلسفی. دلیل ادعای فوق نیز این است که تقریباً تمام اصلاحات در قانون جدید از رویه قضایی شکل گرفته در سالهای اخیر،

ناشی شده است. عبارت دیگر شاید بتوان گفت که قانون جدید جزا نقش انفعالی از حقوق ارائه داده است. یعنی راه‌حلهایی را که قضات در مرحله اجرا برای مشکلات و موضوعات قضایی فراهم داشته‌اند، بعنوان قانون جدید معرفی شده است و از این جهت می‌توان به آن، عنوان «قانون قضات» اطلاق کرد و نه یک قانون جامع و مانع در همه ابعاد. در صورتیکه در شیوه قانون نویسی باید ضمن استفاده از تجارب قضایی و عملی، از نظریه‌های عمومی و فلسفی و دکترین که از دائره و قلمرو اجرایی خارج می‌باشند، نیز استفاده نمود تا نه تنها رسالت علم حقوق در قالب یک نقش خدماتی محدود نگردد، بلکه نقش مثبت و خلاق حقوق در جامعه نیز هویت واقعی خود را باز یابد.

#### ۴. شرایط سیاسی<sup>۳۳</sup>

در کشوری مانند فرانسه که گروهها و احزاب سیاسی در آن نقش عمده و بسزایی دارند، همیشه جریانات و جنبش‌های اجتماعی و تقنینی و امثالهم متأثر از فعالیتهای احزاب سیاسی می‌باشند. همچنانکه در مراحل تهیه و تدوین قانون ۱۹۹۴ نیز این نقش و تأثیرگذاری کاملاً مشهود و قابل توجه بوده است. بعنوان مثال: در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ که انتقال قدرت سیاسی (از جناح راست به جناح چپ) صورت گرفت در اموری از قبیل ترکیب اعضای کمیته تجدیدنظر و بررسی کننده لوایح و طرح‌ها، تعیین اولویت‌های قضایی، بروز حساسیت نسبت به بعضی از مسائل و غیره نیز به شدت تحت تأثیر این انتقال قدرت قرار گرفت. بعنوان مثال، اختلاف نظر در تعیین یا عدم تعیین مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی که نهایتاً در مجلس شورای ملی با آرای مثبت اکثریت نمایندگان جناح چپ به تصویب رسید، یا لغو مجازات اعدام در فرانسه در سال ۱۹۸۱ که تحت تأثیر جناح چپ حاکم بوده است و همچنین بعد از انتقال قدرت نخست وزیری به جناح راست در سال ۱۹۹۲ این جناح با

تقدیم لایحه ای از جانب وزیر دادگستری، مجازات «حبس ابد واقعی» که در حقیقت اصلاحی بر قانون جدید بود را به تصویب مجلس سنا و مجلس شورای ملی رساند.

علاوه بر جناحهای سیاسی می توان از گروههای فشار در جامعه نیز نام برد که نقش مؤثری در جهت گیری سیاست قانونگذاری دارند.

#### ۴. اصلاحات در قانون جدید

نکته دیگر که موجب کاهش اعتبار قانون جدید گردیده است، اصلاحات و تجدیدنظرهایی است که در این مدت کوتاه بعد از تصویب و قبل از لازم الاجرا شدن آن صورت گرفته که به دلیل اشاره در بند قبل از ذکر سایر موارد آن خودداری می شود.

در پایان باید اضافه نمود «با ملاحظه امتیازات قانون جدید و صرفنظر از ایرادهای مذکور، بطور قطع برای تعیین میزان ارزش، و قضاوت قطعی نسبت به آن باید در انتظار گذشت زمان و مشاهده میزان راهگشایی آن در حل معضلات بود. ولی آنچه که در حال حاضر و بطور قطع می توان اظهار داشت این است که: قانون جدید در مجموع (از نظر شکل و محتوا) از قانون سابق بهتر است، اما به تصور عده ای این قانون هنوز با آرمانهای اولیه مندرج در پیش نویسهای متعدد آن فاصله بسیار دارد.

### کتابشناسی

1) Badinter (Robert) , Projet de Nouveau code pénal, DALLOZ, 1988.

(۱) بدینتر (روبرت)، طرح قانون جدید جزا، انتشارات دالوز، سال ۱۹۸۸ میلادی

2) Delmas. Marty - Mireille , Avant - Propos , Revue de science criminelle et de droit pénal comparé, N°3,1993.

(۲) دلماس مارتی - میری، پیش درآمد، مجله علوم جنایی و حقوق جزای تطبیقی، شماره ۳، سال ۱۹۹۳ میلادی.

3) Pradel (Jean), Droit pénal général , Cujas, 10<sup>e</sup> editions, 1995.

(۳) پرادل ژان - حقوق جزای عمومی، انتشارات کوژاس، چاپ نهم، سال ۱۹۹۴ میلادی.

4) Pradel (jean), Le Nouveau code pénal (Partie générale) , Dalloz-1994.

(۴) پرادل ژان، قانون جزای جدید (بخش کلیات)، انتشارات دالوز، سال ۱۹۹۴ میلادی.

5) Projet de loi-Portant reforme du code pénal, présenté par minister de la justice au SENAT, le 20-02- 1986.

۵) طرح قانون مربوط به اصلاح قانون جزا، ارائه شده از سوی وزارت دادگستری به مجلس سنا در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۸۶ میلادی.

6) Gazette du palais, No49-50 - Hebdomadaire 18-19 Fevrier 1994.

۶) مجله گازت دو پله، شماره ۵۰-۴۹- هفتگی، (۱۸-۱۹) فوریه ۱۹۹۴.

7) Henri , Leclere , Le nouveau code pénal - Introduit et commentéaire, Éditions du seuil 1994.

هنری لک لر، مقدمه و تفسیری بر قانون جزای جدید، انتشارات سوی، ۱۹۹۴.

8) Le Nouveau code pénal , DALLOZ, 1993-1994.

۸) قانون جدید جزا میلادی - انتشارات دالوز. (سالهای ۱۹۹۳-۱۹۹۴ میلادی)

9) Poncela-Pierrette: Livre I Dispositions généraltes, Revue de Science criminelle et de droit pénal comparé (le nouveau code pénal), N°3, juillet, septembre 1993.

۹) پونسلا-پیرت. مجله علوم جنایی و حقوق جزای تطبیقی قانون جزای جدید، شماره ۳، ماههای ژوئیه و سپتامبر ۱۹۹۳ میلادی.

10) Lascoumes (Pierre). Poncela (Pierrette), Lenoél (Pierre), Au nom de l'ordre, Ed Hachtte, 1989.

۱۰) لاسکوم (پیر)، پونسلا (پیرت)، لونئل (پیر)، بنام نظم، انتشارات آشت ۱۹۸۹.

11) Le Nouveau code pénal (Thèmes et commentaires), Sous la présidence de pierre Méhaignerie, DALLOZ, 1994.

۱۱) قانون جزای جدید (موضوعات، عناوین و تفسیرها)، زیر نظریه پیر مینیوری (وزیر دادگستری)، انتشارات دالوز، ۱۹۹۴ میلادی.